

لغات برگزیده‌ی زبان انگلیسی EPT طبق

رفرنس‌های اعلام شده از کتابهای ۱ و ۲ و ۳ Interaction و

Mosaic 1(Reading) و Expanding Reading Skills

A great deal	مقادیر زیادی	According to	بر طبق
A merge	منجر شدن، افزوده شدن تعلق گرفتن	Accumulating dollars	بولهای روی هم انباشته شده
Abandon	ترک کردن، رها کردن، بی خیال	Accurate	دقیق، صحیح
Abbreviation	اختصار، تلخیص	Accused	متهم
Abdominal	شکمی، مربوط به شکم	Accustomed	خو گرفته و معتاد
Abiding	پایدار، وفا کننده	Achievement	دستیابی، موفقیت، پیروزی
Aboard	روی یا داخل هواپیما یا کشتی	Acquaint	آشنا کردن، آگاه کردن، اتفاقی آشنا شدن
Abortion	سقط جنین	Acquirable	به دست آوردنی، یافتنی
Absence	غیاب، فقدان	Acquire	بدست آوردن، اکتساب کردن
Absentminded	پریشان خیال، حواس پرت	Active	فعال، پرنرژی
Abuse	سوء استفاده- بد رفتاری کردن به	Adapt from	اقتباس شده از
Academician	عضو انجمن دانش	Adapt	وفق دهنده، تأدیل کننده
Accept	قبول کردن، تایید کردن	Addicted	معتاد
Access	دسترسی، اجازه دخول	Addiction	اعتیاد
Accessible	در دسترس	Addictive	عادت کردن، معتاد
Accompany	همراهی کردن	Additional	اضافی
Accomplish	انجام دادن، وفا کردن	Adequate	شایسته بودن، کافی، مناسب
Accomplished	تربیت شده، انجام شده، فاضل	Adjunct	ضمیمه، فرعی، کمکی

Adjust	تعدیل کردن، تنظیم کردن	Advertising	آگهی تبلیغاتی
Adjustment	تنظیم، تعدیل	Advice	نصیحت، پند و اندرز
Administration	اداره کل، فرمانداری	Adviser	مشاور، رایزن
Administrator	مدیر و مجری	Advocate	دفاع کردن، وکیل مدافع، حامی
Admiration	حیرت، شگفت، تحسین	Aeronautics	دانش هوانوردی
Admire	تحسین کردن	Affair	امر، کار، مطلب، موضوع
Admission	اجازه ورود، قبول، پذیرش	Affect	تحت تاثیر قرار گرفتن
Admit	پذیرفتن، اعطا کردن، تصدیق کردن	Affection	محبت
Adolescence	بزرگسالی	Affectionate	مهربان، خونگرم
Adolescent	نوجوان، بالغ، رشید	Affiliate	مربوط ساختن، پیوستن
Adopt	اقتباس کردن، به فرزندی قبول کردن	Affirmative	اظهار مثبت، تصدیق آمیز
Adoption	فرزندخواندگی، اقتباس	Affluent	فراوان، دولت مند
Adorn	آرایش کردن، زینت کردن	Afraid	ترسان، متاسف
Ads	پیام های بازرگانی	Aftermath	نتیجه، محصول ثانوی
Adult	بزرگسال	Afterward	سپس، بعد از آن
Advance	پیشرفت، جلورفتن	Age	پیر شدن، عصر
Advantage	برتری	Agent	عامل، نماینده
Advantageous	سودمند، باصرفه	Aggressive	پرخاشگر، متجاوز، سلطه جو
Adventure	سرگذشت، ماجراجویی، خود را به خطر انداختن	Agony	درد ورنج
Adventure	مخاطره، ماجراجوی	Agrarian	وابسته به کشاورزی و راضی - خودرو
Adventurous	پر حادثه و مخاطره آمیز	Agree	توافق داشتن
Advertise	آگهی دادن	Agriculture	کشاورزی
Advertisement	آگهی، اعلان خبر	Ahead	به طرف جلو

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Aid	یاری، مساعدت، حمایت کردن	Ambitious	جاه طلب، بلند همت
Ailment	بیماری مزمن، درد	Ambivalent	ددمی مزاج، آشفته
Aim	هدف، فرض کردن، قصد داشتن،	Amicable	موافق، دوست، دوستانه
Aimless	بی هدف	Ample	پهناور، وسیع، فراوان
Airy	هوایی، واهی، خودنما	Amusing	سرگرم کننده، خنده آور
Alert	هوشیار، آزر خطر	An average of	به طور متوسط
Algae	صورت جمع جلبک و خزه دریایی	Anabolism	رشد سلولی
Alienating	انتقال مالکیت، بیگانگی	Analects	قطعات ادبی، جنگ
Alienation	انتقال مالکیت، بیگانگی و بیزاری	Analogical	قابل قیاس، دارای وجه تشابه
Alike	همانند، یکسان	Ancestor	جد، نیا، نیاکان
Alive	زنده، روشن، حساس به چیزی	Ancient	باستانی، قدیمی
Alleged	بقول معروف، منتسب به	And so on	و غیره
Alliance	پیوستگی، اتحاد	Anecdote	حکایت، قصه
Allocate	اختصاص دادن، تخصیص دادن	Anesthetic	بیهوش کننده، بی حس کننده
Along with	همراه، درامتداد	Anesthetic	بیهوشی
Alter	تغییر دادن، عوض کردن، اصلاح کردن	Angle	فرشته، ملک
Alternating	متناوب، یک در میان	Anguish	دلتنگی، غم و اندوه
Alternative	راه چاره - انتخاب	Animated	سرزنده و شاد
Although	اگرچه	Anniversary	سوگواری سالیانه، عروسی سالیانه
Altitude	بلندی، ارتفاع	Announce	آگهی دادن، انتشار دادن، خبر دادن
Amazing	شگفت انگیز	Announcement	آگهی، اعلام
Ambiguous	تاریک، مبهم	Annoy	عصبانی کردن، آزار دادن
Ambition	جاه طلبی، آرزو، بلند پروازی	Annual	سالیانه

Anomie	بی هنجاری، اعتقاد به بی نظمی	Appreciate	قدردانی کردن
Anonymous	بی نام و امضا	Appreciation	قدردانی، تقدیر
Antenna	موج گیر، آنتن، شاخک	Appreciative	قدردان، قدرشناس
Antonym	متضاد	Approach	نزدیک شدن
Apartheid	نفاق وجدایی بین سیاه و سفید	Appropriate	مناسب و شایسته
Ape	میمون، بوزینه	Approve	تصویب کردن، پسند کردن
Apex	اوج، نوک، قله، سر	Apricot	زردآلو
Apologize	عذر خواهی کردن	Aptitude	استعداد، لیاقت، ظرفیت
Apparent	آشکار، ظاهر، صوری	Aquatic	وابسته به آب
Apparently	ظاهر، مسلما	Arabesque	کاشی کاری اسلامی
Appeal	التماس، جذب	Arch	قوز کردن، کمانی، ناقلا، شوخ باستانی،
Appearance	ظهور، پیدایش، نمایش، سیما	Archaeologist	باستان شناس
Appetite	میل و رغبت، اشتها، آرزو	Archaeology	باستان شناسی
Appetizer	اشتها آور ، پیش غذا	Architecture	معماری
Appetizing	محرک، اشتها آور	Arctic	قطب شمال
Applaud	تشویق کردن	Ardent	گرم و سوزان، تند و تیز
Appliance	اسباب، وسیله، اختراع	Argue	بحث کردن، استدلال آوردن
Applicant	درخواست کننده، متقاضی	Argument	بحث و جدل
Application	درخواست، پشت کار، کاربرد	Argumentative	استدلالی، منطقی
Appointee	منصوب، گماشته	Aristocrat	عضو دسته اشراف، نجیب زاده
Appointment	قرار ملاقات	Arithmetic	علم حساب
Appreciate	قدردانی کردن، درک کردن	Aromatherapy	درمان درد با روغن خوشبو
Appreciate	قدردانی، تصدیق کردن	Array	آراستن، نظم

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Arrest	توقیف، بازداشت، جلوگیری کردن	Atone	جبران کردن، جلب کردن، خشم را فرو نشانیدن
Arresting	توقیف کننده، جالب	Atrocity	بیرحمی، قساوت
Arrival	وارد شدن، ورود	Attend	حاضر شدن
Arrogant	متکبر، خودبین	Attentive	متوجه، با دقت، مواظب
Arrow	تیر، پیکان، سهم	Attitude	روش، نگرش، طرز برخورد
Artery	شریان	Attorney	وکیل مدافع
Arthritis	ورم مفاصل	Attribute	خواص، شهرت، اعتبار
Article	مقاله، تفریح کردن، ماده	Audience	ملاقات رسمی، شنودگان
As much	به همان میزان	Auditorium	تالار کنفرانس
As though	گوی، مثل اینکه	Auditory	مربوط به شنوایی، مربوط به حسابداری
Aside	کنار، به یک طرف	Aural	مربوط به گوش
Asparagus	مارچوبه، رسمی	Author	مؤلف
Aspect	نمود، سیما، ظاهر، جنبه	Authority	اختیار، اجازه، اقتدار
Assault	یورش، حمله، تجاوز و اظهار عشق	Auto theft	اتومبیل دزدی
Assert	اظهار، ادعا کردن	Auto	به تنهایی، خود به خود
Assertive	مثبت، قطعی، رک	Available	موجود، در دسترس
Assign	تعیین کردن، گماشتن	Avid	مشتاق، حریص، متمایل
Assignment	مأموریت، تکلیف درسی، وظیفه	Avocado	نوعی انبه
Associated	وابسته، تابعه، انجمن	Awaken	بیدار شدن، بیدار
Association	انجمن، وابستگی	Award	جایزه، اعطا کردن، سپردن
Assume	گرفتن، وانمود کردن، فرض کردن	Awful	مهیب، ترسناک، عظیم
Astonishing	شگفت انگیز	Awkward	زشت، بی لطافت، غیر استادانه
Astronomy	ستاره شناسی	Axe	تبر، با تبر قطع کردن
		Babble on	بیهوده سخن گفتن

Babble	سخن بیهوده گفتن، ورورسخن گفتن	Batch	مقدار نان در یک پخت.
Bachelor	اولین مدرک و مقطع تحصیلی - مجرد	Bathtub	وان حمام
Background	زمینه	Battle	پیکار، مبارزه، جدال
Backward glance	به سرعت نگاه کردن	Be ware	حذر کردن از، ملتفت بودن
Backward	عقب افتاده، خجالتی	Beach	ساحل شنی، کنار دریا
Bag	کیسه، کیف، متورم شدن ، ربودن	Bead	مهره، دانه تسبیح
Bagpipes	آلت موسیقی، نی انبان	Bean	باقلا، لوبیا، چیز کم ارزش و جزئی
Bald	طاس، کچل	Bear	خرس، تحمل کردن، زاییدن
Balk	مایه لغزش، مانع، سد راه کسی شدن	Beard	ریش، مو، مقابله بودن در
Banish	تبعید کردن، دور کردن	Beasts of burden	حیوانات بارکش
Bank teller	تحویله دار بانک	Beat	بهم زدن، کتک زدن
Bar	پشکه، میانه، سرراه	Beats	ضربان قلب ، ضربه ،
Barbarian	بی تمدن، وحشی، غیر رومی	Beckon	فراخواندن، اشاره کردن
Bare	برهنه، پالخت	Beer	آبجو، آبجو نوشیدن
Barely	بطور عریان ، بندرت	Beg	گدایی کردن
Bargain	ارزانتر از حد معمول، چانه زدن	Beggar	گدا، گرفتار فقر
Barge into	با کله و سر بهم خوردن	Behest	امر، دستور
Barge	سرزده وارد شدن	Beloved	محبوب، مردمی
Bark	پوست درخت ، تنه درخت	Belt	کمربند، محاصره کردن
Bark	پوست درخت، پوست کندن	Beneath	تحت نفوذ، تحت فشار، زیرین
Barrier	مانع، سد	Beneficial	سواد آور
Basement	طبقه زیرین، سرداب	Benevolent	نیک خواه، خیراندیش
Bat	چوب، چماق، چشمک زدن	Beverage	مشروبات، آشامیدنی

دانشجو آنلاین-لغات برگزیده

Bewitch	جادو کردن
Beyond	ماوراء، فوق.
Bias	طرفداری، تبعیض
Bible	کتاب مقدس
Biblical	وابسته، کتاب مقدس
Bid	گفتن، امر کردن، فرمودن
Bighorn	قوچهای کوهی
Bike	کندوی زنبور عسل، انبوه، جمعیت، دوچرخه
Bikini	لباس شنای زنانه، مایوی دو تکه
Bilingual	دوزبانی
Bill	منقار، نوعی شمشیر، قبض
Billboard	تخته اعلانات
Bison	گاومیش کوهان دار
Bit	تکه، ذره، پاره ریزه
Bite	گاز گرفتن
Bitter	تلخ، تند، جگر سوز، طعنه آمیز
Bizarre	عجیب و غریب، خیالی، وهمی
Black out	خاموش شدن، قطع کامل برق
Black out	خاموشی
Blame	گناه، سرزنش، اشتباه
Blame	گناه، سرزنش، مقصر
Blaming	نکوهش، ملامت
Blank slate	سنگ نوشته

Bleach	سفید کردن، شستن
Blend	آمیختن، ترکیب، مخلوط
Blessing	برکت، دعای خیر، دعای پیش از غذا
Blissful	خوش، سعادت مند
Blizzard	کولاک و برف و بوران
Blond	سفید، بور
Blood pressure	فشار خون
Blood	خون
Bloom	شکوفه
Blossoming	شکوفه دادن، اول جوانی
Blow over	آرام شدن، تمام شدن، گذشتن
Blow	دمیدن، وزیدن
Blues	افسردگی، نوعی موسیقی جاز
Blunt	بی پرده و رک
Blush	سرخ کردن، شرم منده شدن
Board	سوار شدن، تابلو، تخته
Bodegas	شراب فروشی، میخانه
Boisterous	خشن و بی ادب، بلند و ناهجار، شلوغ
Bold	بی باک، جسور
Boldly	بی باکانه، باشهامت
Bologna sausage	سوسیس بلغاری
Bond	قرارداد، عهد و میثاق
Bonus	انعام، جایزه

Booklet	دفترچه، جزوه	Brandy	نوعی مشروب
Boom	ترقی قیمت، غریب، به سرعت	Brass	برنجی، سفیدروی
Boost	ترقی، جلو بردن	Bravery	دلیری، شجاعت
Borderline	نوارمرزی، خط فاصل	Bread and butter	از عهده برآمدن، ملاقات کردن
Border	گذشتن، مجاور بودن، سرحد، مرز	Breadwinner	نان آور خانواده
Boredom	ملالت، خستگی	Break down	تفکیک، از کار افتادگی
Barely enough	به سختی کافی	Break through	موفقیت، رخنه
Borrower	قرض گیرنده	Break up	فروپاشی، تجزیه و تفکیک
Bossy	دارای برجستگی، ارباب منش	Breed	نوع، گونه، تربیت کردن، تولید کردن
Bother	نگران شدن، اذیت کردن	Breeze	نسیم ملایم، مثال آب خوردن (عامیانه)
Bothersome	رنجش، مایه زحمت، پریشانی	Brevity	کوتاهی، اختصار، ایجاز
Bottle	بطری، مشروب الکلی	Bribe	رشوه دادن
Bough	شاخه، تنه درخت، شانه حیوان	Bribery	رشوه خواری، رشوه
Boulevard	بولوار	Bride	تازه عروس، عروس
Bounce	پرش، جهش	Bridegroom	تازه داماد
Bound	پریدن، تپش قلب، محدود کردن، مسلم و محرز	Bridge	پل، اتصال دادن
Boundary	مرز، کرانه	Brief	کوتاه، مختصر، خلاصه
Bow	خم شدن، تعظیم کردن به سبک ژاپنی	Briefly	مختصراً
Boyish delight	لذت پسر بچگی	Bring on	باعث شدن
Brag	صحبت کردن مغرورانه درباره چیزی	Bring up	پرورش و رشد دادن
Bragger	لاف زن، خودستا	Broad	پهن، عریض
Brainstorm	آشفتهگی فکری موقتی	Brood cast	اشاعه، پراکنده کردن
Brand	مارک، جنس، علامت	Brook	نهر، تحمل کردن، تاب آوردن

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Broomstick	دسته جارو	Canned	در قوطی کنسرو شده، مست باده
Broom	جاروب - جاروب کردن	Cannibal	آدم خوار
Brotherhood	برادران، انجمن برادری	cannon	جنگ افزار، توپ
Budget	بودجه	Capable	لایق، مستعد
Bulletin	آگهی نامه رسمی، تابلو اعلانات	Capital	بزرگ، پایتخت، سرمایه
Bump	ضربت، برآمدگی، دست انداز	Capitalist	سرمایه داری
Burden	بار، وزن، طفل در رحم	Captain	سروان، ناخدا، سر کرده
Burglary	دزدی از منازل	Caption	عنوان، سرلوحه
Burgundy	قرمز تیره	Capture	اسیر کردن، تسخیر
Burn up	سوزاندن	Capture	دستگیری، اسیر کردن، تسخیر
Burst into tear	ترکیدن بغض	Care free	بی خیال، سبکبار
Burst	انفجار، ترکیدن، شیوع	Career	دوره زندگی، مسیر، مقام یا شغل
Bushmen	بیابان نشین	Cargo	بار کشتی، محموله دریایی
Button	دکمه، غنچه، با دکمه محکم زدن	Caribou	گوزن آمریکای شمالی
By all means	با هر وسیله ممکن	Carpet	قالی، فرش
Cab	جای راننده (محل)، تاکسی	Carry on	ادامه دادن به کار
Cabbage	کلم، کش رقتن، رشد پیدا کردن	Carry out	انجام دادن کار - تکمیل کردن
Cable	سیم ضخیم، کابل	Cash	پول نقد
Calamities	بلا، مصیبت، فاجعه	Cashier	صندوق دار
Call upon	احضار کردن برای کاری	Caste	طبقه، صنف، قبیله
Calligraphy	خوشنویسی	Castle	دژ، قلعه
Campaign	عملیات، مبارزه انتخاباتی	Cast	رأی دادن، نقشی را به کسی دادن، انداختن
Campus	محوطه دانشگاه	Catastrophic	مصیبت بار، فاجعه انگیز

Catch	گرفتن، درک کردن، فهمیدن	Chamber	اتاق، خوابگاه
Categorize	دسته بندی کردن	Champagne	نوعی مشروب
Category	دسته بندی	Chance	تصادف، اتفاق، بخت، فرصت
Cathedrals	کلیساهای جامع	Chapattis	پن کیک
Cattle	گله گاو، احشام، اغنام	Char	زغال، نیمسوز کردن
Causal	مبنی بر سند، عللی، غیر رسمی	Character	شخصیت
Caution	هشدار دادن	Characteristic	ویژگی، خصلت
Cave	غار، مقعر	Charge for	بر آورد هزینه به کسی
Cavity	گودال، حفره، کرم خوردگی دندان	Charge sb with	متهم ساختن
Cedar	سرو آزاد، چوب سرو، قرمز مایل به زرد	Charity	دستگیری، صدقه، خیرات، نیکو کاری
Celt	نژاد سلت	Charm	فریفتن
Cemetery	گورستان، آرامگاه	Charming	فربیا و فریبنده
Censor	سانسور، بازرس مطبوعات	Chart	نمودار، جدول
Censorship	سانسور عقاید، سانسور	Chase	تعقیب، وادار به فرار کردن
Census	سرشماری	Chattels	اموال، احشام
Centered	در مرکز، متمرکز	Chatter	تند حرف زدن و ناشمرده سخن گفتن
Cereal	نوعی صبحانه، مربوط به حبوبات	Cheat	آدم متقلب و فریبنده
Cerebrum	مغز پیشین، مغز کله	Check out	وارسی، به امانت گرفتن
Ceremony	تشریفات، جشن	Cheek	گونه
Certainty	اطمینان، یقین	Cheer up!	بی خیال باش
Certificate	گواهینامه	Cherish	گرامی داشتن
Chain	زنجیر، رشته	Chew	جویدن، تفکر کردن
Challenge	به مبارزه طلبیدن، اعتراض کردن	Chili	خوراک لوبیای پرادویه

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Chimney	دودکش، بخاری	Clerical	منشی گری، دفتری
Choke	خفه کردن، مسموم کردن	Click	صدای مختصر
Cholera	وبا	Client	موکل، ارباب رجوع
Chopsticks	میله هایی که چینیها با آن برنج می خورند	Clientele	مشتریان، پیروان
Chore	کار سخت، کار روزمره	Cliff hanger	مطلب یا داستان جالب
Christ	مسیح، عیسی	Cliff	صخره، تخته سنگ
Chronic	مزمن، حاد	Climax	اوج هر چیزی - نوک قله
Chronology	وقایع با ترتیب زمانی	Clog	لخته شدن، متراکم کردن
Chunk	مقدار قابل توجه - تکه بزرگ	Closet	صندوق خانه، خصوصی، مخفی
Churn	چیزی را شدیداً تکان دادن	Clue	کلید، نشانه، گلوله کردن، سر نخ
Circulation	گردش، جریان	Cluster	دسته بندی کردن، خوشه
Circumstance	شرایط، محیط، رویداد،	Coalition	پیوستگی، اتحاد
Cite	ذکر کردن، گفتن، اتخاذسند کردن	Coast	ساحل
Citizen	تابع قانونی کشوری - شهروند	Cobble	سنگ فروش
Civil	مدنی، غیر نظامی	Cocktail	نوشابه مرکب، مهمانی
Civilization	تمدن، فرهنگ یک کشور	Coffin	تابوت
Civilize	متمدن کردن، متمدن شدن	Coin	اختراع و ابداع کردن لغت، سکه زدن
Civilized	متمدن، متین	Cold heart	بی عاطفه
Claim	ادعا، خواسته، مدعی شدن	Cole-slaw	سالاد کلم
Clash	برخورد، تصادم، تصادم شدید کردن	Collaboration	تعاون، همکاری
Classify	طبقه بندی کردن	Collapse	شکست خوردن، فرو ریختن، سقوط
Clause	اقدام کردن، مامور کردن، جمله واره	Collateral	کمک مالی بلاعوض، وثیقه
Clay	خاک رس و کوزه گری	Colleague	همکار، هم قطار
Cleansing	پاک و تمیز کردن، تیرئه		

Colon	دونقطه، کولون	Common	مشترک معمولی
Colonial	مستعمراتی	Commoner	شخص عادی، غیر اشرافی
Colony	مستعمره، مهاجرنشین	Communal	همگانی، اشتراکی
Column	ستون	Communicable	قابل ارتباط، مسری
Combative	مبارزه، جنگجو	Community	جامعه، اجتماعی
Combination	ترکیب، تلفیق	Commute	تغیر جهت دادن
Combine with	ترکیب کردن با	Commutate	سفر روزانه شهر به حومه و بالعکس
Combustion	سوختن، احتراق	Commute	جمع وجور، متراکم، بهم فشرده
Come back	بازگشتن، برگشتن	Compact	معاشرت و همراهی کردن
Come through	نشان دادن	Companion	مقایسه کردن
Come up	یافتن جواب یا راه حل برای چیزی	Compare	مجبور کردن
Come up with	ابداع کردن، پیدا کردن راه حل	Compelled	جبران کردن، تاوان دادن
Comic	خنده دار، وابسته به کمدی	Compensate for	رقابت کردن، چشم هم چشمی
Command	فرمایش، فرمان دادن	Compete	لایق، شایسته
Commandment	فرمان، دستور خدا	Competent	تالیف و گردآوری
Comment	تفسیر، توضیح	Compile	خشنودی از خود
Commentator	مفسر	Complacency	شکایت کردن
Commerce	بازرگانی	Complain about	شکایت، دادخواهی
Commercial	تجاری، بازرگانی	Complaint	انجام دادن و تکمیل کردن
Commit	سپردن، مرتکب شدن	Completion	پیچیده، مجتمع
Commit	مرتکب شدن، متعهد به انجام کاری شدن	Complex	سحر، جادو، فریبندگی
Commitment	تحویل، تعهد، اعتقاد	Complexion	تحسین کردن، تعارف کردن
Committee	مجلس مشاوره، کمیته	Compliment	نوشتن، آهنگسازی
		Compose	

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Compound	آمیختن، مرکب، ترکیبات شیمی	Confirm	تائید و تصدیق کردن
Comprehensive	جامع، فراگیر	Confirmation	تصدیق، تثبیت، استقرار
Compulsive	اضطراری	Conflict	اختلاف، زد و خورد، کشمکش
Compulsory	اجباری، قهری	Confront	روبرو شدن، مواجه شدن
Compulsion	اجبار - اضطراب	Confusion	سرردگی و گیجی
Computation	شمارش، محاسبه	Congenial	همسلیقه، همخو
Conceive	تصور کردن، یاد گرفتن	Congestion	تراکم، ازدحام، انبوهی
Concentrate	متمرکز کردن، تغلیظ	Congress	کنگره، همایش، مجلس
Concentric	مرکز	Conical	مخروطی
Concept	فکر، عقیده، مفهوم، تصور کلی	Conjunction	پیوستگی، اتصال
Conception	حاملگی، ادراک، تصور	Connotation	دلالت ضمنی، معنی
Concern	نگرانی، در دسر	Conquer	غلبه کردن
Conch	صدف حلزونی	Conqueror	پیروز، کشورگشا، غالب
Conclude	بپایان رساندن، نتیجه گرفتن	Conscious	آگاه، هوشیار
Conclude	خاتمه، نتیجه، به پایان	Consequence	نتیجه پی آمد
Conclusion	پایان، خاتمه	Conservatism	سیاست محافظه کاری
Concrete	سفت کردن، بتون، بهم چسبیده، اسم ذات	Conservative	محافظه کار، پیرو سنت قدیم
Conditioner	نرم کننده، حالت دهنده	Conserve	حفظ و نگهداری کردن
Condominium	حکومت مشترک، مالکیت مشترک	Consider	در نظر گرفتن
Conduct	رفتار، هدایت کردن، بردن	Considerable	شایان، قابل توجه، مهم
Cone	مخروط	Considerate	باملاحظه، محتاط
Conference visit	ملاقات گروهی	Considered	با فکر درست و باز، با اندیشه صحیح
Conference	مشورت و تبادل نظر	Considering	نظر به، بملاحظه
Confidence	اطمینان، قوت قلب، رازگویی		

Consist	شامل بودن، مرکب بودن	Contradictory	مخالف، متناقض
Consistent	استوار، ثابت قدم، سازگار	Contrary	مخالف، معکوس
Consolation	دلداری، تسلی	Contrary	مخالف، معکوس، مقابل
Consonant	هم آهنگ، حرف بی صدا، حرف بی صدای همخوان	Contribute	شرکت کردن، همکاری کردن
Constant	پیوسته، پایدار	Controversial	مباحثه ای، هم ستیز گرانه
Constraint	اجبار، فشار، محدودیت	Convection	انتقال گرما و برق، ارزش حرارتی
Construction	ساختمان، بنا، ترسیم	Convene	دوره هم جمع شدن، گرد آمدن
Consultation	مشاوره - همایش	Convenient	راحت، مناسب
Consumer	مصرف کننده	Convention	دوره هم جمع شدن، تشکیل جلسه
Contact	تماس، برخورد	Conventional	پیرو سنت و رسوم
Contain	شامل شدن	Conversational	محواره ای
Contemporary	همزمان، معاصر	Converse	صحبت کردن، محاوره کردن
Contempt	تحقیر، اهانت	Convict	مجرم، جانی، محکوم کردن
Contend	ستیزه کردن، مخالفت با رقابت کردن	Convicted	مجرم، محبوس، محکوم کردن
Contend	مخالف بودن	Convince	متقاعد کردن، قانع کردن
Content	ظرفیت، گنجایش، راضی، خشنود	Convincing	متقاعد کننده
Context	زمینه، مفاد، مفهوم	Cooperation	همکاری، تشریک مساعی
Continent	قاره، پرهیز کار	Cooperative	شرکت تعاونی
Continuum	پیوستگان، تسلسل، زنجیره	Cope with	از عهده کاری بر آمدن
Contract	قرارداد بستن، منقبض شدن	Coping	(معماری) کتیبه، تقلید کردن
Contract	منقبض شدن، جریان عادی	Coping	دیوار، قرنیس
Contract	قرارداد، منقبض شده	Cordially	قلبی، صمیمی، مقوی
Contradiction	متناقض، متفاوت	Cordless	بی سیم

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Corn	غله	Courtesy	ادب و مهربانی، تواضع
Cornerstone	سنگ گوشه، بنیاد، اساس	Cousin	پسر عمو، دختر عمو
Corporate	یکی شده، دارای شخصیت حقوقی	Cover distance	پیمودن مسافت
Corporation	شرکت، بنگاه	Counterpart	قرینه، نقطه مقابل، رونوشت
Corpus	شی، جسم	Coyote	گرگ صحرایی آمریکای شمالی
Correspondence	ارتباط، تشابه، مکاتبه	Cram	چپاندن، پر کردن
Corresponding	متناظر، مکاتبه کننده	Crawl	خزیدن، شنا کرال
Corruption	فساد، انحراف	Creak	صدای لولای در، غرغر
Cosmetic	آرایشی، ظاهری، مربوط به زیبایی	Creative	خلاق، مبتکر
Cottage	کلبه، خانه روستایی	Creature	آفریده، مخلوق، جانور
Council	مجلس، انجمن، شورا	Credit	اعتبار، موجودی
Counsel	مشورت، وکیل	Creep	خزیدن، چابلوسی کردن
Counselor	مشاور	Crew	خدمه هواپیما و کشتی
Count	شمردن، حساب کردن، فرض کردن	Crime	جنایت، جرم، بزه
Counted	حساب کردن، شمردن، صورت برداری	Criminal	جنایی، مجرم، جنایتکار
Counter	معکوس، پیش خوان	Crisis	بحران
Counteract	خنثی کردن	Criteria	ضوابط، معیارها
Countryside	حومه شهر	Criticism	انتقاد، نقد
Couple	زوج، دوتایی	Criticize	انتقاد کردن
Courage	جرات و دلیری	Crop	محصول، چیدن
Courier	پیک قاصد	Crown	تاج، پوشاندن دندان، تاج دندان
Court	اظهار عشق، دادگاه، خواستگاری	Crucial	وخیم، بسیار سخت، قاطع
Courteous	باادب، مودب، فروتن	Cruel	بیرحم، ظالم و ستمگر

Cruelty	ستم و ظلم	Cut out	جدا کردن، بریدن
Cruise	سفر دریایی، گشت زدن	Cutback	تقلیل دادن، بریدن
Crush	خرد کردن، کوبیدن	Cute girl	جذاب، زیبا، دل‌فریب
Crush	فشردن، له شدن،	Cutely	به شدت، به زیرکی
Crybaby	بچه ننه، کم ظرفیت	Cyclone	گردباد، تندباد
Cube	مکعب	Cylinder	استوانه، لوله
Cue	اشاره ای برای راهنمایی، سرخ	Dairy	لبنیاتی
Cuisine	غذا، خوراک	Damned	جهنمی، گناهکار، بسیار بد
Cultural	فرهنگی	Dare	جرأت کردن، به مبارزه طلبیدن
Cunning	حیله گر، مکار، ماهر	Daring	جسور، شهامت، پردلی
Curator	کتابدار، موزه دار	Dart off	با سرعت حرکت کردن به طرف
Curd	کشک، شیر بسته شده، دلمه شده	Date	تاریخ، وعده، ملاقات، قرار، خرما
Cure	شفا دادن، بهبود یافتن	Dawn	پگاه، سپیده، آغاز کردن رسیدن
Curiosity	حس کنجکاوی، حس غریب	Dawn on	آشکار شدن
Curricular	مربوط به برنامه تحصیلی	Daycare	نگهداری کودکان خردسال
Cursor	مکان نما	Dazzle	روشنی خیره کننده
Curtain	برده، حجاب، مانع	Dead	ترس، دلهره
Curve	منحنی، خم	Deaf	کر، فاقد قوه شنوایی
Custody	نگهداری، حفاظت، توقیف امانت	Deal	مقدار، اندازه، معامله کردن
Custom	سنت، عادت، حقوق گمرکی	Debate	بحث و مذاکره
Customize	معتاد کردن	Debris	باقیمانده، آشغال رویهم
Customs	آداب و رسوم	Debt	بدهی، قرض، دین
Cut down	خرد کردن، کم کردن هزینه	Decade	دهه، دوره، ده ساله

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Decapitate	جدا کردن، گردن زدن	Deliberate	کنکاش کردن، عمدی انجام دادن
Decay	فاسد و تباہ شدن	Delicacy	خوراک خوشمزه و خوب، ظرافت
Decent	آراسته، محجوب، نجیب	Delightful	لذت بخش، دلپذیر
Decently	بطور شایسته	Delivery	تحویل، زایمان
Deception	نیرنگ، فریب	Demand	خواستار شدن، مطالبه کردن
Decipher	کشف کردن، فاش کردن	Demolition	بی حرکت، بی جنبش
Declaration	بیان، اظهار، اعلامیه	Demolition	انهدام، ویرانی، خرابی
Declare	اظهار داشتن، اعلام کردن	Demonstrate	اثبات کردن و شرح دادن
Decline	نزول قیمت‌ها، شیب پیدا کردن روبه زوال	Demoralize	تضعیف روحیه
Decode	دوره ده ساله	Denim	راه راه کتان
Decorating	تزئین	Depict	نمایش دادن، مجسم کردن، شرح
Decoy	دام، طعمه	Descend	نزول کردن، فرود آمدن
Dedicated	اختصاص داده شده	Descendant	نسل، اولاد
Deduce	استنباط کردن، تفریق کردن	Describe	توصیف کردن
Deer	آهوی کوهی	Description	شرح، نوع، توضیح
Defeat	شکست دادن، از شکل افتادگی	Desegregate	از بین بردن، جدا کردن نژادی
Defendant	مدافع، مدعی علیه	Deserve	شایستگی، لیاقت، سزاوار بودن
Deficit	کمبود، کسر درآمد	Deserving	مستحق، شایستگی
Definite	معین و مشخص	Desirable	پسندیده، مرغوب، خواستنی
Defoliated	برگ ریختن	Despair	سر خوردگی، ناامیدی
Defy	به مبارزه طلبیدن، مقاومت کردن	Desperate	بسیار سخت، ناامید، از جان گذشته
Degree	رتبه، درجه تحصیلی	Despite	با وجود اینکه، کینه ورزیدن
Delay	به تأخیر انداختن	Destination	سر نوشت، تقدیر، مقصد

Destiny	سرنوشت، تقدیر	Direct	جهت دادن، هدایت
Destruction	خرابی، ویرانی	Dirt	کثافت، لکه
Destructive	ویرانگر، مخرب	Disabled	معلول
Deterioration	بدتر شدن	Disappear	گم شدن، ناپدید شدن
Determination	تعیین، تصمیم، قصد	Disapprove	ناراضی، ناخوشایند دانستن
Determine	مصمم بودن، تشخیص دادن	Disaster	بدبختی، مصیبت
Deterrent	مانع شونده، بازدارنده، ترساننده	Disastrous	مصیبت آمیز، خطرناک
Devil	شیطان، مزدور	Disciple	شاگرد، مرید، پیرو
Devote	فداکاری کردن، مصرف کردن	Disciplinarian	اهل انضباط و نظم
Dew	شبنم، رطوبت، نم	Discipline	انضباط و نظم
Diaper	پارچه، گل و بته، کهنه بچه را عوض کردن	Disclose	فاش کردن، باز کردن، آشکار کردن
Discipline	نظم و انضباط	Discomfort	ناراحت کردن
Dig up	بدست آوردن	Discount	تخفیف، نزول، کاستن
Digestive	هاضمه، گوارا، گوارشی	Discourage	دلسر کردن، بی جرأت ساختن
Digging	حفاری، محل حفر	Discover	کشف کردن
Dignity	بزرگی و مقام	Discrimination	تبیض، فرق گذاری
Dignity	شکوه، وقار، بزرگی	Discuss	بحث کردن
Diligent	سخت کوش	Disfavor	بی اعتباری، از نظر افتادگی
Dimension	اهمیت، ابعاد	Disgrace	رسوا، سیاه رویی، آبرو
Diminish	کم شدن، تقلیل یافتن	Disguise	تغییر قیافه و لباس، پنهان کردن
Diminished	کاهش یافته، نقصان	Disgusting	منزجر کننده
Dining	ناهار خوری	Dismiss	مرخص کردن، معاف کردن
Dip	غوطه ور کردن	Disorder	بی نظمی، ناهنجاری

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Disparity	ناجوری، عدم توافق
Display window	ویترین مغازه
Displeasure	نارضایتی
Disposable	از دست دادنی، در معرض
Disposal	مواد یکبار مصرف
Disproportionate	بی تناسب
Dispute	ستیز و مشاجره و نزاع، انکار کردن
Disrupt	منقطع کردن، درهم گسیختن
Dissatisfaction	نارضایتی
Dissent	اختلاف عقیده داشتن
Dissonant	ناهنجار، ناجور
Distasteful	ناخوشایند، زننده
Distinct	مشخص، متمایز
Distinguish	تشخیص دادن، فرق گذاشتن
Distorted	کج و کوله، تحریف کردن
Distract	برگرداندن، منصرف و گیج کردن
Distress	خطر، پریشانی
Distressful	اندوهناک، پریشان حال
Distribute	بخش و توزیع کردن
Diverse	متنوع، گوناگون
Diversity	اختلاف، گوناگونی
Divorce	طلاق دادن، طلاق
Dizzy	گیج کننده، سردرگم

Dock	لنگرگاه، کوتاه کردن، جای محکم
Dockland	زمینها بخشهای اسکله ای
Document	مدرک، سند، دست آویز
Domestic	خانوادگی، اهلی، خانگی
Dominance	نفوذ، غلبه
Dominant	غالب، مشرف
Dominated	مسلط، حکمفرما
Domineer	سلطه جو، مستبدانه حکومت کردن
Donation	اهداء، هدش
Doorstep	پلکان جلوی در
Doorway	راهرو
Dose	مقدار دارو
Dot	خال، لکه
Doubt	شک، تردید، دودلی
Doubtful	مشکوک
Downtown	مرکز تجارت شهر، مرکز شهر
Dowry	شل گرفتن، کوتاه آمدن، جهیزیه
Dozens	دوجین، دوازده عدد
Drama	نمایش، تأثر
Dramatic	نمایشی، مهیج
Drank	مست، مستی
Drape	پرده
Drastically	مفرط، شدید، پر نیرو

Drawback	بازداشت، مانع، زیان	Eclectic	گلچین کننده، از هر جا برگزیننده
Dream	خواب و رویا	Economy	اقتصاد
Dreary	دلتنگ کننده	Edible	خوراکی، غذا، خوردنی
Dripping	هوای گرفته و کسل کننده	Editor	ویراستار
Drought	خشکی و خشکسالی، تشنگی	Editorial	سر مقاله
Drown	خفه و غرق شدن	Educated	باسواد
Drum	طبل زدن، دهل	Effective	موثر
Duct	مجرا، لوله، کانال	Efficient	بهتر، کار آیی
Due to	بعلت	Effusive	فوران کننده، پر حرارت و علاقه
Due	بدهی، پرداختی، حتی	Elaborate	استادانه درست شدن، زحمت کشیده
Dull	تیره، سنگین، کودن، احمقانه	Elaborate	پیچیده، وارد جزئیات شدن
Dumb	چماق	Elderly	مسن، سالخورده
Duty	وظایف، تکلیف	Elect	انتخاب شدن
Dwarf	کوتوله، کوتاه جلوه دادن	Elevation	بلندی، ترفیع
Dwelling	مسکن	Elicit	استخراج کردن، استنباط کردن
Dying	مردنی، در حال نزع، مرگ	Eliminate	حذف کردن، از قلم انداختن
Dynasty	سلسله، دوران	Elite	برگزیده، نخبه، زبده
Eagerly	مشتاقانه	Eloquence	شیوایی، فصاحت، علم بیان
Earmark	نشان هویت، اختصاص دادن	Elsewhere	در جای دیگر، بجای دیگر
Earn	کسب معاش کردن	Embarrass	دست پاچه کردن، خجالت دادن
Easel	تخته نقاشی	Embarrassing	خجالت زده - استرس زا
Easygoing	آسان گیر، بی قید	Embarrassment	خجالت، دستپاچی
Echo	پژواک، انعکاس صدا	Embassy	سفارت خانه

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Embrace	در آغوش گرفتن، پذیرفتن، شامل بودن
Emerge	بیرون آوردن، سر بر آوردن
Emphasis	تاکید، اهمیت، تکیه
Employ	به کار گماشتن، استعمال کردن
Empty	خالی
Enchant	سحر کردن، فریفتن
Enclose	حصار یا چینه کشیدن
Encounter	تصادف، روبرو شدن، برخورد
Encouragement	تشویق، دلگرمی
Encyclopedia	دایرةالمعارف، دانش جنگ
Endear	گران کردن، عزیز کردن
Endless	بی پایان
Endure	تحمل کردن، مقاومت داشتن
Engage in	درگیر بودن در
Engage	عهد کردن، قول دادن، نامزد کردن
Engagement	تعهد، نامزدی، زد و خورد
Engrave	قلم زدن، حکاکی کردن
Engraving	حکاکی
Enhance	زیادتر کردن، گراتر کردن
Enlightenment	روشن فکری
Enormous	بزرگ، هنگفت، عظیم
Enormously	خیلی، با عظمت
Enrich	توانگر کردن، غنی کردن، پرمایه کردن

Enroll	ثبت نام کردن
Enrollment	نام نویسی
Enterprise	اقدام کردن، امر خطیر سرمایه گذاری
Entertainer	مهمان نوازی، پذیرایی کردن
Entertainment	پذیرایی، سرگرمی
Enthusiastic	با حرارت، شیفته، مشتاق
Entire	تمام، دست نخورده، بی عیب
Entrepreneurs Protectionist	
Entry	وارد شدن، دخول
Envious	حسود، غبطه خور، حسادت آمیز
Envy	شک، حسادت، غبطه خوردن
Episode	حادثه ضمنی، حادثه فرعی داستان
Equator	خط استوا
Equip	آراستن، مجهز کردن، سازوبرگ دادن
Equivalent	معادل
Equalitarian	طرفدار تساوی انسان
Era	مبدأ، تاریخ، دوران
Eradication	منهدم کردن و از بین بردن
Erect	عمودی، راست ایستادن
Error	اشتباه
Escape	گریختن، فرار کردن
Essay	مقاله، آزمون
Essence	ماهیت، عصاره، اصل
Essential	ضروری و اساسی

Establish	برقرار کردن، به حرف در آوردن	Excruciating	مشقت بار ، دردناک
Estate	ملک و املاک،حالت،وضعیت	Excuse	معذرت خواهی، عذر آوردن
Estimate	تخمین زدن،اظهار نظر کردن	Excessive	افزایشی
Ethic	کتاب اخلاق،مکتب و اصول اخلاقی	Executive	مدیرعامل،قوه مجریه
Ethical	وابسته به علم اخلاق	Exchange	مبادله کردن،ردوبدل کردن
Ethnic	قومی،نژادی،محلی	Exhaust	خسته کردن
Ethnic	قومی،نژادی،کافر	Exhausted	از پا افتاده ، تمام شده
Ethnocentrism	نژادپرستی	Exhibit	کالای نمایشی،ارائه دادن
Etiquette	آداب معاشرت،رسوم	Exile	تبعید،هجرت
Eve	شب عید،شب،جنس زن	Existence	هستی،وجود
Eventually	سرانجام،بالاخره	Expectancy	انتظار،امید،توقع،حاملگی
Evidence	مدرک،گواهی ثابت کردن	Expectation	انتظار،چشمداشت،توقع
Evil	خبثت،شیطانی	Expense	هزینه،خرج،مصرف
Evolutionary	تکاملی	Expert	کارشناس،متخصص
Evolve	تحول ورشد و تکامل یافتن	Explore	سیاحت،اکتشاف کردن
Excavation	کاوش،حفاری	Explosion	انفجار،سرو صدا،هياهو
Exceedingly	بحد زیاد	Expose	نمایش داده شده
Exception	استثنا،اعتراض	Exposure	در معرض قرار گرفتن
Excerpt	قطعه،گزیده	Expression	سیمای،قیافه،میان
Exclamation	فریاد،تعجب،بانگ	Extend	طول دادن،توسعه،تمدید، پیشنهاد دادن
Exclude	مانع شدن،محروم کردن مستثنی کردن	Extensive	پهنارو،وسیع،بزرگ
Exclusive	انحصاری،تنها	Extent	وسعت،اندازه
Exclusively	منحصر به فرد ، بی نظیر	Extremely	بی نهایت،خیلی

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Eyeball	کره چشم	Fantastic	پرهیجان، عالی
Fable	داستان، حکایت اخلاقی	Far	دور از، زیاد، بعید
Fabric	ساختمان، کالبد، پارچه	Fare	کرایه، خوراک، گذران کردن
Fabulous	افسانه وار، شگفت انگیز	Farewell	بدرود، وداع، خداحافظ
Fabulous	خیلی عالی	Fascinate	مجذوب کردن، شیدا کردن
Faceless	بی هویت، بی شخصیت	Fast	سریع، روزه گرفتن
Facial	مربوط به صورت	Fatigue	خستگی، فرسودگی
Facility	سهولت، وسیله، امکانات	Favor	طرفداری کردن، نیکی کردن، توجه کردن به
Facsimile	کلیشه، عین متن اصلی، واقعی، راستین	Favor	طرفداری، توجه، نیکی کردن
Fad	مد روز، هوس موقتی، سرگرمی، موقتی	Favorite	مطلوب
Failing	ضعف، کاستی	Fear	ترس، ترسیدن
Failure	درماندگی، کوتاهی، قصور	Feast	مهمانی، جشن گرفتن
Faint	ضعیف، غش کردن، تاریک	Feature	چهره، سیما، بطور برجسته نشان دادن.
Fair	خوشگل، با انصاف خوب - نمایشگاه	Fee	پول، شهریه، اجرت
Fairly	منصفانه، بموقع، خوب و روشن	Female	مؤنث
Fairy	افسونگری، ساحر	Feminist	طرفدار حقوق زنان
Faith	ایمان، عقیده، اعتقاد	Fence	شمشیر بازی، حصار، دیوار
Faithful	باوفا، باایمان	Fertility	حاصلخیزی، باروری
Faithless	بی ایمان، بی وفا	Fetch	رفتن و آوردن
Familiarize	آشنا کردن، عادت کردن	Fetish	بت، صنم
Family planning	تنظیم خانواده	Fetus	جنین
Famine	تنگسالی، قحطی	Fiancé	نامزد (مذکر)
Fancy	خیال، وهم، علاقه داشتن، تصور کردن	Fiancée	نامزد (مونث)

Fictitious	جعلی، ساختگی	Flier	پرواز کننده
Fiction	افسانه، قصه، دروغ، خیال، بهانه	Flight	پرواز، فرار و گریز
Figurative	مجازی، کنایه، رمزی، تمثیلی	Flint	سنگریزه، چیز سخت، چخماق، سنگ فندک
Figure out	کشف کردن، معین کردن،	Flock	جمع شدن و ازدحام، گله
Figure	اعداد، اشخاص	Floss	کج، ابریشم خام، نخاله ابریشم
Filing	سوهان کاری، بایگانی، میخ زنی	Flour	آرد، پودر شدن
Fill out	تکمیل کردن، پر کردن	Flourishing	شکفتن، پیشرفت کردن
Filth	چرک، کثافت، آلودگی	Fluent	روان، سلیس
Filthy	ناپاک، پلید	Fluid	روان، سیال
Finance	علم دارایی، سرمایه گذاری	Fly	پرواز کردن (ماضی)
Financial aid	کمک مالی	Focus on	تمرکز کردن
Financially	از نظر مالی	Foe	دشمن
Finest	بهترین،	Fog	مه، سردرگمی
Finish	پایان دادن	Fold	زادن، آغل گوسفندان
Fire wood	هیزم	Folk tales	قصه عامیانه و مردمی
Firm	سفت، استوار، کارخانه، راسخ ثابت	Folk	ملت، مردم، قوم و خویش
Fission	شکاف، جداسازی اتم	Folly	ابلهی، نادانی
Flatter	چاپلوسی کردن	Foodstuff	ماده غذایی، خواربار
Flavor	طعم، مزه، خوشمزه کردن	Fool	نادان، احمق، مسخره، دست انداختن
Flea	کک، حشره ایی که از خون تغذیه می کند	Foolish	نادان، جاهل
Fleet	ناوگان، عبور سریع	Forcible	قوی، مؤثر، شدید، اجباری
Flesh	گوشت، جسم	Foresee	پیش بینی آینده، آینده را دیدن
Flexible	انعطاف پذیر	Foretell	پیشگویی کردن

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Forever	برای همیشه، تا ابد، جاویدان
Format	صفحه آرائی، شکل صفحه
Former	تشکیل دهنده، قالب گیر،
Formerly	پیشتر، قبلاً
Forth	به پیش، بیرون، آشکار
Fortunate	خوشبخت
Fortune	شانس و ثروت، دارائی و مال
Foster	پرورش و ترویج دادن، شیر دادن
Found	وجه، سرمایه، پشتوانه برای چیزی
Foundation	پایه، اساس، تاسیس
Fountain	منبع، منشأ، سرچشمه
Fraction	کسر
Fragile	شکننده، ترد
Fragrance	بوی خوش، عطر
Fragrant	خوشبو، معطر
Fraudulent	کلاهبرداری، فریب آمیز، نامشروع
Freedom	آزادی
Freer	آزاد بودن، آزادی
Freighter	کشتی بادبانی، بارکش، هواپیمای باری
Frenetic	آشفته، عصبانی
Frequent	تکرار شونده، زودزود
Frequently	گاهگاه
Frighten	به وحشت انداختن

Frontier	مرز، حد فاصل
Frost	یخ بندان، شبنم یخ زده
Frustration	خنثی سازی، محروم سازی، ناامیدی
Fulfill	انجام دادن، تکمیل کردن، بر آوردن
Fume	دود، بخار، با غضب حرف زدن
Function	آیین رسمی، کار کرد، وظیفه
Fund	وجه، سرمایه، تنخواه، صندوق
Fundamental	بنیادی
Funeral	مجلس ترحیم، مراسم تشییع جنازه
Furious	خشمناک، عصبانی، متعصب
Furnace	کوره، تنور، گرمازا
Fuss	اعتراض کردن، نزاع، خرده گیری
Fuzzy	تیره، ناواضح، کرکی
Gaily	شوخ و شنگ
Galaxy	کهکشان
Gang	جمعیت، دسته جنایتکاران
Gap	درز، دهنه، اختلاف زیاد
Garbage	روده، زباله، فضولات
Gardener	باغبان
Gardening	باغبانی
Garlic	سیر
Gasoline	بنزین در آمریکا
Gay	هم جنس باز، خنده دار و شاد

Gaze	چشم دوختن، زل زدن	Glory	عزت، شکوه، افتخار
Gazette	مجله رسمی، اعلان، آگهی	Gloss	حاشیه، نرمی و صافی، جلا
Gender	جنس، نوع	Glossary	فرهنگ لغات دشوار، واژه نامه
Generate	تولید کردن، تناسل کردن	Glove	دستکش
Generic	عمومی، نوعی، کلی	Glow	محبت، تب و تاب، قرمز شدن
Generosity	بخشش، گشاده دستی	Glue	چسب، سریش، چسباندن
Genius	نبوغ، استعداد	Gnarl	پیچ دادن، غرلند، زوزه
Genre	نوع، گونه	Goal	هدف
Gently	با ملایمت، به تدریج	Goat	بز، آدم حشری
Geometric	هندسی	Goddess	الهه، رب النوع
Gerund	اسم مصدر	Goodhearted	خوش قلب، مهربان، بخشنده
Gesture	اشاره، رفتار، قیافه، ادا	Goose	علامت سکوت، سقلمه زدن
Ghetto	زاغه نشین، مهاجر نشین	Gorilla	گوریل، میمون بزرگ
Ghost	روان، جان، خیال، به خانه سرزدن	Gossip	شایعات بی اساس، سخن چین
Giant	عظیم	Gourmet	غذاشناس، خبره در غذا
Give and take	مبادله، رد و بدل	Gourmet	خوراک خوب و شراب ناب
Give up	سر به هوا، بازنگوش، شوخ	Grade	مرحله، درجه، ارزش، نمره
Given	معین، معلوم، مسلم، مفروض	Gradually	به تدریج، رفته رفته
Glacier	رودخانه یخی	Graduate	فارغ التحصیل
Glance	مرور اجمالی، نگاه، خراشیدن	Grain	غلات، حبوبات، دانه جو
Globalization	یکجا، مقطوع	Grant	بخشیدن، عطا کردن
Gloomy	نیمه تاریک، ابری	Grape	انگور
Glorious	مجلل، خیلی خوب، باشکوه	Graph	نمودار، نمایش هندسی

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Grasp	به چنگ آوردن، فهمیدن،	Guilt	گناه، جرم
Grass	علف، چمن، ماری جوانا	Guilt ridden	تحت تأثیر گناه قرار گرفتن
Grateful	سپاسگزار، ممنون، متشکر	Guilty	گناهکار، مقصر، بزهکار
Grave	قبر کردن و دفن، خطرناک، حفر	Gulf	خلیج
Gray haired	مو خاکستری	Gulp	قورت دادن، تندتند خوردن
Grayling	انواع ماهیان قزل آلا	Gum	صمغی شدن، جویدن، آدامس
Greece	یونانی	Gunshot	تیراندازی، تیررس
Greedy	آزمند، حریص، طماع، پر خور	Guy	طناب، مهار، آرام، بدهیکل، مسخره کردن
Greet	تأسف، درود گفتن	Hail from	اهل جایی بودن
Gridlock	راه بندان	Hail	نامیدن، صدا کردن، خواندن درود
Grill	بریان کردن	Halfway	نیمه راه، نصف راه
Grin	پوزخند، دندان نمایی	Hall	سالن، تالار
Grind	سخت کار کردن، آسیاب کردن	Halloween	آخرین شب اکتبر، شب اولیا
Grip	محکم در دست گرفتن	Handful	مشت، یک مشت
Gripe	مدام اعتراض کردن	Handicap	آوانس دادن، امتیاز دادن
Grippe	انفلوانزا	Handiwork	کار، اثر
Grocery	بقالی، عطاری، خواربار فروشی	Handle	وسیله، لمس، رفتار کردن
Grueling	خسته کننده، تنبیه کننده	Hang	آویزان کردن، به دار آویختن
Grumble	غرغر کردن، ناله، گله	Harbor	پروردن، لنگر انداختن، بندرگاه، پناه دادن
Guarantee	ضمانت کردن	Hardened	سخت شده، سفت شده
Guaranteed	تضمین شده	Hardship	سختی، سخت
Guardian	نگهبان	Harness	حد
Guerrilla	پارتیزان، جنگجوی غیر نظامی	Harsh	تند، درشت، زننده

Haste	شتاب، عجله	Heroine	شیرزن
Hatch	درآمد، از تخم درآمدن، نتیجه، روی تخم نشستن	Hesitant	دودل، مردد، تأمل کننده
Hate	کینه و نفرت	Hijack	سرقت هواپیما و سایر وسایط نقلیه
Haunting	فراموش نشدنی	Hike	گردش بیرون شهر
Hazard	مخاطره، اتفاق، در معرض خطر	Hilarious	خنده دار، مضحک
Head	سر، رئیس، مسئول	Hill	تپه
Headdress	آرایش مو، روسری زنانه	Hint	اشاره، تذکر
Heal	شفا دادن، التیام دادن	Hippocrates	مکتب بقراطی
Hearing	رسیدگی به محاکمه، گزارش	Hire	کرایه دادن (بطور موقتی)، به خدمت گرفتن
Heartless	بی عاطفه	History	تاریخ
Heighten	بلند کردن، بالا بردن، بسط دادن	Hitch	پیچ و خمیدگی، گرفتاری، مانع، تکان دادن
Hell	جهنم، هرگز، ابداً	Hitchhike	اتواستاپ کردن
Helmet	کلاه خود، زره	Hit	ضربه زدن، برخورد کردن
Hemisphere	نیمکره، اقلیم	Hoard	انباشتن، ذخیره کردن
Hence	از اینرو، بنابراین	Hobby	سرگرمی، مشغولیت
Herb	گیاه، علف، گیاه دارویی	Hold hand	دست همدیگر را گرفتن
Herbal	کتاب خاص گیاهان، درمان گیاهی	Hold on	نگه داشتن
Herd	گروه، رمه، گله	Hole	حفره، سوراخ
Hereafter	از این پس	Holocaust	قتل عام، همه سوزی
Heredity	وراثت	Holy	مقدس، پاک
Heritability	قابل توارث	Hombre	مرد اسپانیایی
Heritage	مال و میراث، ثروت	Home base	پایگاه خانوادگی
Hero	قهرمان، دلاور	Homeless	آواره و بی خانمان

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Honeymoon	ماه عسل	Hurricane	تندباد و گردباد
Honor	احترام کردن، عزت، امتیاز	Hurried	شتاب زده، هول، هولکی و باعجله
Honorary	افتخاری، مجانی	Hyena	کفتار، آدم درنده خو
Hop	رقصیدن، جست و خیز کوچک کردن	Hygiene	بهداشت
Hopscotch	بازی لی لی	Hymn	سرود روحانی، تسبیح
Horrible	وحشتناک، سهمگین	Hyphen	خط تیره، جدا شده با خط
Horrificed	ترسناک، هولناک	Hyphenated	با خط پیوند نوشتن
Horror	وحشت، ترس، مور مور	Ideal	کمال، مطلوب، ایده آل، آرزو
Hospitable	مهمان نواز	Identical	مساوی، یکسان
Hospitality	مهمان نوازی	Identify	شناختن، تشخیص دادن
Hostage	گروگان، وثیقه	Idiom	اصطلاح، لهجه
Hostility	عداوت، خصومت	Idiotic	ابلهانه
Household	صمیمی، مستخدمین خانه، اهل بیت	Idyll	زندگی روستایی
Hue	رنگ، ظاهر	Ignorance	نادانی، جهل
Hug	در آغوش گرفتن، بغل کردن عاشقانه	Ignore	نادیده انگاشتن، اعتنا نکردن
Huge	بزرگ، عظیم الجثه	Illiterate	بیسواد، عامی
Humble	فروتنی کردن، تواضع	Illustration	مثال، تصویر
Humiliate	تحقیر و اهانت کردن	Imagination	تصور، خیال
Humiliated	پایمال شده، تحقیر شده	Imagine	تصور کردن، فکر کردن، حدس زدن
Humor	شوخی، طنز	Immediate area	بخش میانی بدن
Humorous	فکاهی، شوخی، خنده آور	Immediately	فوری
Hunt	شکار کردن، صید	Immense	بی نهایت، عالی، عظیم و پهناور
Hurl	پرتاب کردن، افکندن	Immoral	بد اخلاق، هرزه

Immortal	فنانا پذیر، ابدی	Incentive	انگیزه، محرک
Impact	ضربه بهم فشردن، برخورد شدید	Inch forward	یک ذره حرکت کردن
Impair	خراب و معیوب کردن	Inch	یک ذره، اینچ
Impartial	بیطرف، منصفانه	Incidence	وقوع، شیوع
Imperative	امری، دستوری، ضروری	Incident	شایعه، واقعه، حادثه
Imperious	امرکننده، تحکم آمیز	Incline	خم کردن، متمایل شدن
Implacable	کینه توز	Income	درآمد، عایدی
Implant	کاشتن، فرو کردن	Incomplete	ناقص، ناتمام، ناکامل
Implication	دلالت، معنی، مفهوم، مستلزم بودن	Inconceivable	غیر قابل تصور، باور نکردنی
Imply	اشاره ضمنی داشتن بر، رساندن مطلبی	Inconvenient	ناراحت کننده، زحمت آور
Import	واردات، اهمیت داشتن	Incredibly	باور نکردنی، افسانه ای
Impose	تحمیل کردن، مالیات بستن بر	Indeed	به راستی، درحقیقت
Impression	اثر، جای، مهر	Indefinitely	بطور غیر قابل اندازه گیری، بطور نامحدود
Impressive	قابل تمجید و احترام	Indicate	نشان دادن
Imprison	به زندان افکندن، نگهداشتن	Indices	شاخص، جمع (index)
In addition to	علاوه بر این	Indifferent	خونسرد، بی علاقه
In advance	از قبل، پیشاپیش	Individualist	فردگرایی
In contrast to	در مقایسه با	Indomitable	رام نشدنی، سرکش، غیر قابل تسلط
In good taste	بطور خوشایند	Indulge	شوخی کردن، زیاده روی در
In short	به طور خلاصه	Infant	نوزاد
In spite of	علی رغم	Infection	عفونت
Inadequacy	نا مناسبی، بی کفایتی	Infer (inferences)	حدس زدن، استنباط کردن
Inadequate	ناکافی	Inference	استنباط

دانشجو آنلاین-لغات برگزیده

Inferential	وابسته به استنتاج، استنباط	Innovative	بدعت آمیز، ابداعی
Inferior	پست، نامرغوب، رتبه فرعی	Innovator	نوآور
Infinitive	مصدر	Input	پول به میان نهادن، خرج نیروی مصرف شده
Inflammation	التهاب، اختراق	Insane	دیوانه، مجنون، کم عقل
Inflation	تورم	Insight	باطن، بینش، بصیرت
Infrastructure	زیرسازی، زیربنا	Insist (on)	اصرار، پافشاری، تکیه کردن بر
Infrequently	بندرت	Insistence	اصرار، پافشاری
Ingenuity	قوه ابتکار، نبوغ، استعداد	Insomnia	بی خوابی
Ingratiation	مورد لطف و توجه، خود شیرینی	Inspiration	نفس، دم، الهام، وحی
Ingredient	جزء، عوامل، عناصر سازنده	Inspire	در کشیدن نفس، الهام کردن
Inhabit	ساکن شدن در	Install	نصب کردن، کار گذاشتن
Inhabitant	ساکن، اهل، اهالی	Instance	نمونه، مثال
Inherent	ذاتی	Instant	دم، لحظه
Inheritance	ارث بوی، میراث خوری	Instead	به جای، در عوض
Inherited	موروثی	Instill	کم کم فهماندن، آهسته القا کردن
Inheritor	وارث، مالک، جانشین	Institute	نهاد، مؤسسه
Inhibit	ممنوع کردن، مانع شدن	Institution	مؤسسه، رسم معمول
Initial	آغاز کردن، آغازی	Instructor	آموزگار
Initiative	ابتکار، پیش قدمی	Insulation	عایق بندی
Injustice	بی عدالتی، ستم و ظلم	Insult	توهین آمیز، بی احترامی کردن
Innermost	میانی، داخلی، در اعماق	Insulted	عمل و صحبت گستاخانه
Innocence	بی تقصیری	Insurance	بیمه
Innocent	بی گناه	Intact	صحیح، سالم

Intake	پذیرش، مکش، فریب، آگیری
Integrity	تمامیت، کمال، بی عیبی، امانت
Intellect	هوش، فهم، عقل
Intellectual	عقلانی، ذهنی، روشنفکر
Intend	نیت، قصد داشتن
Intention	قصد، خیال، غرض
Interactive	فعل و انفعالی
Interchange	تبادلات، باهم عوض کردن
Interfere with	مداخله کردن
Intermittent	متناوب، پیوسته، ادواری
Internist	پزشک داخلی
Interpret	ترجمه شفاهی، تفسیر
Interpret	تفسیر و ترجمه کردن
Interpretation	بیان، تعبیر، تفسیر، ترجمه
Interrupt	مانع شدن، آمیختن، قطع کردن
Intertwine	بهم تابیدن و پیچیدن
Interval	فاصله، وقفه، فرجه، خلال
Interview	مصاحبه
Intestine	روده
Initiative	ابتکار
Intimate	محرم، خودمانی، صمیمی، مطلبی را رساندن
Intimacy	صمیمیت، رابطه نامشروع

Intolerant	بی گذشت، متعصب، کم تحمل
Intonation	لهجه، آهنگ، تلفظ
Intricate	پیچیده، بغرنج
Intrigue	توطئه چیدن، فریفتن
Intrusion	دخول، سرزده، بدون اجازه
Intrusive	فضول، سرزده
Intuition	درک مستقیم، شهود
Intuitive	مستقیماً درک کردن، ذاتی
Inuit	اسکیمو، زبان اسکیمویی
Invalid	باطل کردن، بی اعتبار، بوج
Invasion	هجوم، تعرض
Inverted	وارونه
Invest	بکار انداختن سرمایه، پول گذاردن
Investigate	رسیدگی کردن به
Investigator	بازرس، بازجو، تحقیق کننده
Investment	سرمایه گذاری، مبلغ سرمایه گذاری
Invigorating	نیرو بخش، فرح بخش
Involve in	ارتباط داشتن - شرکت دادن
Involvement	درگیری، گرفتاری
Irish	ایرلندی
Iron	آهن، اتو کردن
Ironic	طعنه آمیز، کنایه آمیز
Ironically	بطور طعنه آمیز، کنایه آمیز

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Irrational	غیر منطقی، بی عقل	Juicy	آبدار، شیره دار، بارانی
Irresponsible	وظیفه شناس، بی بندوبار	Juncture	اتصال، پیوستگی
Irritable	تحریک پذیر، عصبی و تندمزاج	Junk	ته مانده، کهنه و کم ارزش
Irritate	عصبانی کردن، آزرده	Justice	عدالت و انصاف
Irritation	رنجش، خشم، ناراحتی، آزرده‌گی	Juvenile	نوجوان
Isles	جزایر، مجزا کردن	Keep on	ادامه دادن
Issue	بحث، موضوع، صادر کردن، انتشار و رواج	Keep up	نگهداری
Itch	خارش، خاریدن، جرب	Kelly girls	مسخره کردن، آدم بد هیکل
Itchy	خارش آور	Kerosene	نفت سفید
Jaguar	پلنگ خالدار آمریکایی	Kid	بزه‌گانه، بچه، مسخره کردن
Jam	مسدود کردن، شلوغی، مریبا	Kidding	مسخره کردن
Jaywalker	عابر بی توجه	Kidnap	آدم ربایی
Jeweler	جواهرات	Kidney	کلیه و قلوبه
Jewish	یهودی	Kindness	مهربانی، لطف
Jog	تکان آهسته، بکار انداختن سنگین رفتن	Knit	بافتن
Jog	آهسته دویدن، هل دادن، تنه زدن	Knitting	بافندگی، کش بافی
Joint	بند، مفصل، لولا	Kohl	اسب اصیل عربی
Journalism	روزنامه نگاری	Kosher	حلال (بر اساس یهود)
Journey	سیاحت و سفر	Kotatsu	کرسی برای گرم کردن در زمستان
Jury	هیئت منصفه، ژوری	Labor	کارگر روزمزد
Joy	سرور، خوشحالی	Lack	نقصان، کمبود داشتن
Joyful	شاد	Lament	تأسف خوردن، زاری و ضجه، سوگواری
Judgment	قضاوت و دادرسی	Land lock	محصور در خشکی

Landscape	منظره، چشم انداز	Legislature	مجلس، قوه مقننه
Lane	منشعب کردن، خط هوایی، گلو نای	Leisure	فرصت، مجال، وقت فراغت
Laser	لیزر	Lend	قرض دادن، متوجه شدن
Last	به درازا کشیدن، آخرین، دوام داشتن	Lentil	عدس
Laughter	صدای خنده بلند	Let alone win	بی خیال برنده شدن
Launch	راه اندازی، به آب انداختن کشتی، پرتاب موشک	Let	اجازه دادن، درنگ کردن
Laundromat	ماشین لباسشویی خودکار	Liberate	آزاد کردن، تجربه کردن
Laundry	لباسشویی	Liberation	آزادی، آزاد سازی
Lavender	نوعی گیاه	Liberty	آزادی، اختیار
Lawsuit	طرح دعوی در دادگاه	License	گواهینامه، پروانه، جواز
Lead to	منجر شدن به	Lick	لیسیدن، تازیانه زدن
Leader	پیشوا، رهبر	Life expectancy	متوسط عمر
Leadership	رهبری	Lift	بلند کردن، دزدیدن آسانسور
Leading	اصلی، عمده	Lightning	رعد و برق
League	متحد کردن، اتحادیه	Likely	محتمل، باور کردنی
Leak	نشت، چکه، تراوش	Likewise	بعلاوه، چنین
Lean	کم سود، کج شدن، متمایل بودن، لاغر، مرض	Liner	کسی که خط می کشد، خط چشم
Lease	اجاره کردن، قرارداد اجاره	Linguist	کارشناسان زبان
Leather	چرمی	Lining	آستر، آستر دوزی، تودوزی
Leftist	چپ گرا	Link	پیوند، ارتباط
Legacy	میراث	Liquor	مشروب خوردن، چرب کردن
Legal	قانونی	Lit	کوشش و تقلا کردن، زحمت
Legalize	قانونی کردن و به رسمیت شناختن	Literacy	سواد خواندن و نوشتن

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Literal	معنی واقعی و تحت‌اللفظی	Lounge	وقت گذرانی، لم دادن ،
Literally	واقعاً و تحت‌اللفظی	Lawyer	وکیل دادگستری
Literature	ادبیات، ادب و هنر	Luggage	بانه سفر، جامه دان، اثاثیه
Lively	جالب توجه، سرزده، بانشاط	Lunatic	دیوانه و مجنون
Loading	بارگیری، آمیختن مواد خارجی به شراب	Luncheon	ناهار، غذای مفصل
Loan	وام، قرض	Luring	وسوسه انگیز
Lobe	لاله گوش	Lurk	در خفا انجام دادن، در کمین نشستن
Lobster	خرچنگ دریایی	Luxurious	خوش گذران، زندگی تجملی
Local	مکانی، موضعی	Luxury	تجمل، زیبا پرستی
Lock up	حبس کردن، قفل کردن،	Mad	دیوانه، عصبانی
Logic	منطق، استدلال	Maddening	دیوانه کننده
Logical	منطقی	Madras	پارچه پنبه ای، شهری در هند
Lonely	تنها، بیکیس، متروک	Magic	جادو، سحر
Long hand	دستخط معمولی	Magical	سحرآمیز
Look after	مراقبت کردن ، پرستاری	Magna car ta	فرمان کبیر صادره از سوی پادشاه انگلیس
Look back	عبرت گرفتن	Magnet	آهن ربا، جذب کردن
Look for	جستجو کردن	Magnetism	نیروی آهنربایی
Look upon with disfavor	تحقیر کردن	Magnificent	جذاب و قابل تمجید
Loom	بلندی، بزرگ جلوه دادن،	Mainly	اساساً
Loosely	شل و ول، آزادانه، گشاد	Maintain	حفظ و نگهداری، و تأمین کردن
Lord	آقا، ارباب، اعیان، اشراف	Maintenance	نگهداری، خرجی
Lotion	شستشو، محلول طبی مخصوص	Malaria	مالاریا
Lotus	درخت سدر، نوعی نیلوفر آبی		

Male	مذکر	Mat	حصیر، حاشیه دور قاب
Mall	تفرجگاه، جای پر درخت و سایه	Match	مسابقه، کبریت
Malnutrition	سوء تغذیه	Mate	لنگه، جفت، همسر جفت گیری
Mammal	پستاندار	Matinee	تفریح و سرگرمی بعد از ظهر
Mammoth	ماموت، فیل بزرگ ماقبل تاریخ	Matron	خانه دار، کدبانو، مدیره
Manage	اداره کردن، گرداندن	Mature	بالغ و پخته
Manifest	خبر، اعلامیه، آشکار کردن	Maturity	بلوغ
Manner	حالت، رفتار	Mauger	بدخواهی، سوء نیت، علیرغم
Mansion	عمارت بزرگ	Maxwell	واحد الکترومغناطیسی
Manufacturing	صنعتی، کارخانه دار	Maybes	میهم، نا مشخص، گنگ
Manure	کود دادن	Mayor	شهردار
Marched	با وقار راه رفتن، پیاده روی	Mean	هدف، میانه، آب زیر کاه
Margin	حاشیه، کناره، اندک	Meaningful	مفید، مهم
Marinate	ترد کردن گوشت با	Meantime	ضمناً، در ضمن، در خلال
Marital	شوهری، زوجی	Meanwhile	ضمناً، در این ضمن
Mars	اسطوره دوم، مریخ	Meddle	مداخله کردن، وسط، میان
Marsh	باتلاق، لجن زار	Media	رساناهای گروهی
Marshal	مرتب و راهنمایی کردن	Medication	تجویز دارو
Marvel	تعجب، شگفت داشتن	Medicine	دارو، شربت
Marvelous	عالی، جالب	Meet the need	برطرف کردن نیاز
Mashed	کوبیده شده	Meet	یافتن، معرفی شدن به، ملاقات کردن
Mass	انبوه، توده، جمع، توده مردم	Melting pot	دیگ ذوب فلزات
Master	آقا، استاد، خداوند، آموزگار	Menial	آدم پست، نوکر

دانشجو آنلاین-لغات برگزیده

Mental	روانی و ذهنی
Mention	ذکر، اشاره، تذکر، یادآوری
Merchandise	تجارت کردن، مالالتجاره
Merchant	تاجر، بازرگان، داد و ستد کردن
Mere	آب راکد، خالی، تنها، انحصاری
Metropolitan	وابسته به پایتخت
Mice	موشها
Micro entrepreneurs'	تجارت کوچک و کم
Micro lending	بهره کم، وام کم
Middle east	خاورمیانه
Midsummer	نیمه تابستان
Mild	ملایم، مهربان، معقول، سست
Milieu	محیط، اجتماع، قلمرو
Military	نظامی، سربازی، جنگی
Millennium	دوره هزار ساله
Mine	معدن
Minimum	دست کم، حداقل
Minority	اقلیت، عدم بلوغ
Mint	نعناع
Mischievous	موذی، شیطان، بدجنس
Miserable	تیره روز، بدبخت
Misinform	گمراه کردن، اطلاع غیر صحیح دادن
Misleading	گمراه کردن، فریب دادن

Mismatch	نامتناسب، عدم تطابق
Miss	از دست دادن، فاقد بودن، دوشیزه، دلنگ شدن
Mission	ماموریت، فرستادن
Misuse	سواستفاده و بد رفتاری
Mitzvah	کتاب مقدس یهود
Mobile	روان، سیار
Moderate	متعادل، نرمال، اداره کردن
Moderator	مدیر، ناظم، میانجی، تعدیل کننده، مجری
Modest	متعادل، فروتن
Moisture	نم، مرطوب
Mold	قارچ انگلی گیاهان، قالب، کالبد
Monarch	ملکه زنبورها، ملکه
Monastery	صومعه، خانگاه
Monetary	وابسته به پول
Monopoly	کالای انحصاری، انحصار
Monsoon	باد موسمی
Monster	هیولا، عفریت، عظیم الجثه
Monumental	یادگاری، یادبود
Moody	کج خلقی، دمدمی
Moral	اخلاقی، معنوی
Morality	سیرت، اخلاقیات
Moreover	علاوه بر این
Mortify	آزرده، رنجاندن، ریاضت دادن
Moses	حضرت موسی

Mother-in-law	مادرزن و مادرشوهر	Nag	نق زدن، زیر لب سخن گفتن
Motion	جنبش، تکان، پیشنهاد کردن اشاره کردن	Nagger	شخص نق زن
Motivation	محرک، انگیزه	Naked	عریان، لخت،
Motive	انگیزه، محرک، علت	Nanny	پرستار بچه
Mound	ساختن پشته، برآمدگی، خاک ریز	Nap	چرت، خواب
Mounted	سوار شده، نسب شده	Narrative	قصه، حکایت، روایت
Mountie	پلیس سوار کانادا	Narrator	گوینده، راوی
Mucked	سخت کار کردن، بیماری کثیفی در اثر فقدان	Narrow	تنگ، باریک
Mud	لجن، تیره کردن	Nasty	کثیف و زنده
Mug	کتک زدن، غارت کردن، عکس شخص محکوم	Natural	طبیعی، ذاتی
Muggy	گرم، خفه، مرطوب، گرفته	Naturalization	اعطای تابعیت، تابعیت
Mugue	سوسن	Nature	طبیعت
Multiple	چند گانه	Naughty	شیطان، بدذات، نافرمان
Mumble	زیر لب سخن گفتن	Nearly	تقریباً
Mural	دیوارنما، واقع روی دیوار	Neat	مرتب، شسته رفته، تمیز
Murder	قتل، آدم کشی	Necessitates	ضروری و واجب کردن
Murderer	قاتل	Necklace	گردن بند
Mushroom	قارچ، به سرعت ایجاد کردن	Needless	بی نیاز
Mutual	متقابل، دو طرفه	Neglect	کم توجهی، اهمال کردن
Mysterious	مرموز، مبهم، اسرار آمیز	Negotiator	مذاکره کننده
Mysteriously	بطور اسرار آمیز	Neighborhood	همسایگی، حومه
Mystery	راز، سر	Neurotic	آدم عصبی و تند مزاج
Myth	افسانه، اسطوره	Nevertheless	با وجود این، مع هذا

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Newcomer	تازه وارد	Nutrient	مواد مغذی
Newlywed	تازه ازدواج کرده ها	Nutritious	مغذی
Niece	دختر برادر یا خواهر	Nuts	آجیل، دیوانه
Nightingale	بلبل	Nuts	دیوانه، مشتاق، آجیل
Nightmare	کابوس، خواب ناراحت کننده	Obedience	اطاعت، حرف شنوی
Nod	باسرا اشاره کردن	Obesity	چاقی
Nomadic	وابسته به کوچ گری، کوچ نشین	Obituary	آگهی درگذشت
Non-existent	ناموجود، عدم وجود	Object	شئی، موضوع، اعتراض کردن
Nonetheless	با این وجود	Objective	واقعی، عینی، دارای وجود خارجی
Nonsense	چرت و پرت، چرند	Obliterate	پاک کردن، زدودن
Norman	اهل نرماندی	Observant	مراعات کننده، مراقب، هوشیار
Nostalgic	دلتنگ، غریب	Obsession	ایجاد عقیده روحی، وسواس
Nostril	سوراخ بینی	Obstacle	مانع، سد جلوی راه
Noticeably	بطور قابل توجه، برجسته	Obstinacy	سرسختی، لجاجت
Nourishing	مغزی	Occasion	موقعیت، فرصت مناسب
Novel	رمان، جدید	Occasionally	گهگاه
Now and then	گهگاه	Occupation	شغل، حرفه، اشتغال، تصرف
Nowhere	هیچ کجا	Occupy	تصرف کردن، اشغال کردن
Nude	لخت، برهنه، بی اثر	Occurrence	رخداد، اتفاق، پیشامد
Numerous	بزرگ، پر جمعیت	Odd	سوگند، عجیب و غریب
Numerous	بیشمار، زیاد بزرگ	Oddly	بطور غریب
Nurture	پرورش و تربیت	Offense	سرپیچی، تخلف، یورش، حمله
Nurture	پرورش، تربیت، بزرگ کردن کودک	Offer	ارائه، پیشنهاد

Offering	ارائه، پیش کش	Organic	مواد آلی و طبیعی
Official	رسمی، مقام اداری	Orient	درخشدگی، مروارید اعلا
Offshore	قسمت ساحلی دریا، از جانب ساحل	Oriental	شرقی
Officials	مقامات اداری	Origin	منشاء، سرچشمه، علت
Olive	زیتون	Orphan	طفل یتیم
Omit	حذف کردن و دور ریختن	Ouch	واخ (علامت تعجب و درد)
On the other hand	به عبارت دیگر	Ounce	مقدار کم چیزی، ۲۸ گرم
Once	یکمرتبه، یکبار دیگر	Out of condition	بدشکل
Onset	ناخت و تاز، حمله، شروع	Outage	راه خروج، قطع برق
Onward	بسوی جلو	Outburst	طغیان غضب
Opera	اپرا، تماشاخانه	Outcome	پی آمد، حاصل، نتیجه
Opponent	مخالفان، حریف مقابل	Outgo	خروج، هزینه، عزیمت
Opportunity	فرصت، مجال	Authoritative	مقتدر، توانا، معتبر
Oppose	در افتادن، مخالفت، ضدیت	Outlet	روزنه، مخرج
Opposition	حریف، مقابل، مخالف	Outline	چیزی را تهیه کردن
Oppress	ستم کردن، در مضیقه قرار دادن	Outlive	زندگی طولانی داشتن
Oppression	ستم، بیداد، فشار، افسردگی	Outlook	چشم انداز، دورنما، نظریه
Oppressive	ناراحت کننده، غم افزا	Outlook	دیدگاه، نگرش
Option	انتخاب، آزادی	Outrageous	ظالمانه، عصبانی کننده
Orchard	باغ میوه	Outrun	پیش افتادن، پیشی گرفتن
Orchestra	ارکستر	Outskirt	دور از مرکز، حاشیه، مرز
Ordinary	عادی و معمولی	Outstanding	برجسته، قلمبه، واریز نشده
		Outstretch	استراحت کردن، توسعه و بسط

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Outward	بطرف خارج، بیرونی، ظاهری	Panel	هیئت منصفه، تابلو
Out weight	سنگین تر بودن از، مهمتر بودن از	Panelist	عضو هیئت منصفه
Overcome	غلبه کردن	Panhandling	گدایی کردن
Overdo	افراط کردن در کاری	Panic	وحشت، اضطراب
Overheat	زیاد گرم کردن	Panther	پلنگ، یوزپلنگ
Overall	بالاپوش و لباس کار، بطور کلی	Parachute	چتر نجات
Overcast	ابر آلود	Paradise	بهشت، خوشی
Overcome	تمیز، فرق، امتیاز، رجحان	Paralyze	از کار انداختن، بی حس کردن
Overdone	بیش از حد انجام دادن، مفرط	Paraphrase	تعبیر کردن
Overtake	سبقت گرفتن، رسیدن به	Pardon	خواستن، پوزش، معذرت
Owl	جغد، بوف	Pardonable	قابل بخشیدن
Ownership	مالکیت، دارندگی	Parishioner	اهل بخش
Pace	سرعت، راه رفتن خرامان، آهسته	Parlor	اتاق نشیمن
Pacific ocean	اقیانوس آرام	Parrot	طوطی، طوطی و ارگفتن
Pack	پشتی، بسته بندی، کوله	Participant	شرکت کننده، همراه
Package	بسته، قوطی	Participate	شرکت کردن، شریک و دخالت کردن
Pad	دزد پیاده، قدم زدن، صدای پا، جاده	Participle	وجه وصفی، صفت مفعولی
Palace	کاخ	Particularly	به ویژه
Palate	سقف دهان، طعم، چشیدن	Partner	همسر، هم رقص، همکلاسی
Pale	حصار دفاعی، کم رنگ، احاطه کردن، مات	Passage	گذر، عبور، اجازه عبور، تصویب قانون
Paleolithic	وابسته به دوره دوم عصر حجر	Passion	اشتیاق و علاقه، شهوت
Pamphlet	جزوه	Passionate	تندخو، شهوت آمیز، تند
Punctuation	نقطه گذاری، نشان گذاری	Passive	تأثر پذیر، بیحال، دستخوش عامل خارجی

Past	گذشته، سپری شده	Penalty	جزا، کیفر، مجازات، تاوان
Pastime	سرگرمی، ورزش، وقت گذراندن	Pending	در طی، در مدت، تا زمانیکه
Patent	حق ثبت اختراع، شواهد و مدارک	Penetrate	نفوذ کردن، رخنه کردن
Paternal	پدری، دارای محبت پدری	Peninsula	شبه جزیره
Pathetic	دارای احساسات شدید، موثر	Peppermint	نعناع صحرایی
Patience	صبوری، بردباری	Perceive	درک و مشاهده کردن، دیدن
Patient	بیمار، بردبار	Percent	درصد
Patrol	پاسداری کردن، گشت زدن	Perception	درک، احساس، مشاهده
Pattern	الگو، طرح	Perch	در جای بلند قرار گرفتن، جای امن
Pave	زمینه سازی کردن	Perform	اجرا کردن، انجام دادن
Paving	سنگ فروش	Period	دوره
Pay off	تسویه کردن، انتقام گرفتن،	Permanent	همیشگی، ثابت، ابدی
Payment	کارسازی، پرداخت، وجه	Permission	اجازه، مرخصی، رخصت
Payoff	کیفر، پرداخت دیه، تسویه کردن	Persist	پافشاری، سماجت
Philanthropy	بشر دوستی	Persistence	ایستادگی، ثبات
Pea	نخود فرنگی	Personal	شخصی
peace	آشتی، صلح، آرامش، آسایش	Persuade	وادار کردن، ترغیب کردن
Peaceful	مسالمت آمیز، آرام، صلح	Persuasive	تشویقی، مجاب و وادار کننده
Peak	به اوج رسیدن	Pessimism	صفت بد، بدبینی
Peanut butter	کره بادام	Pessimist	آدم بدبین
Peanuts	بادام زمینی	Pest	طاعون، بلا و آفت، آزار و آسیب
Peasant	روستایی، کشاورز	Pestilence	قانون، مجمع قوانین
Pedestrian	پیاده، مبتذل	Pet	حیوان اهلی، منزل، سوگلی، معشوقه

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Petition	دادخواست، درخواست کردن
Pharaoh	فرعون، نوعی آجروی قوی
Phenomenon	پدیده
Phonograph	ضبط صوت، گرامافون
Pick out	انتخاب کردن، گلچین کردن
Pick up	برداشتن
Pickle	ترشی
Pickpocket	جیب بر
Picturesque	زیبا، بدیع، خوش تصویر
Pierce	شکافتن، سوراخ کردن، فرو کردن
Pig	خوک و گوشت خوک
Pike	با نیزه کشتن
Pile up	توده وار روی هم چیدن
Pile	توده، مقدار زیاد
Pill	قرص، حبه، دانه
Pilot	خلبان، رهبر، راهنما، تنظیم کردن
Pimple	کورک، جوش در آوردن
Pine	درخت کاج، لاغر شدن، ضعیف شدن، آرزو داشتن
Pineapple	آناناس
Pioneer	پیشقدم
Pipe	لوله کشی کردن، لوله
Pit	گودال، حفره، هسته
Pitcher	آفتابه، کوزه، پرتاب کننده توپ

Plain	ساده، روشن، آشکاری، بی تزویر
Playful	زیرک، ریز، شاد
Playfully	برای تفریح
Playwright	نمایش نامه نویس
Plead	در دادگاه ادعا کردن،
Pleading	شفاعت، دادخواهی
Pleased	خوش آمدن، خشنود بودن
Pleasure	خوشی، لذت، عیاشی
Plenty of	مقدار زیادی
Plenty	فراوان، زیاد
Plot	دسیسه، نقشه کشیدن
Plow	وسيله شخم زنی، مردود شدن
Plug	وصل کردن، بستن، قاج کردن
Plum	آلو، گوجه
Plunge into	شیرجه رفتن
Plunge	ناگهان داخل شدن، فرو بردن
Plural	شکل جمع
Pluralism	تعدد حکومت و حزبی، چند حزبی
Ply	تردد کردن، دولا کردن
Pod	غلاف، تخم دان
Poet	شاعر
Poetry	شاعری
Poignant	تیز، تند، زننده

Poise	توازن، ثبات، نگهداری	Poultry	ماکیان، مرغ و خروس
Poison	سم، مسمومیت	Pound	آغل حیوانات، کوبیدن، مشت زدن
Political science	علوم سیاسی	Pound	ضربت، آرد کردن، آغل، بامشت زدن
Poll	تعداد آرا، اخذ رای دسته جمعی	Pour out	بیرون ریختن
Pollinate	گرده افشانی کردن	Pour	ریختن، تراوش، پاشیدن
Pollution	آلودگی	Poverty	فقر
Polyglot	متکلم به چند زبان	Prairie	چمنزار، مرغزار
Polygon	چند گوشه، کثیرالاضلاع	Prayer	نماز، دعا، تقاضا
Poorly	بطور فقیرانه، بطور ناپسند	Precaution	احتیاط، پیش بینی
Popular	جهانی، مردمی	Precede	جلوتر بودن، مقدم بودن
Population	جمعیت	Preceding	مقدم بودن، جلوتر بودن
Porch	ایوان	Precise	دقیق، مو به مو
Pork	گوشت خوک	Predatory	درنده، غارتگر، تغذیه کننده از شکار
Portable	قابل حمل، راحت	Predecessor	سابق، قبلی
Portion	بخش، جزء، سهم بندی، سرنوشت، قسمت	Predict	پیشگویی کردن
Portray	نشان دادن	Predictable	قابل پیش بینی
Posh	اعیانی، شیک	Predominant	غالب، حکمفرما، برجسته
Possess	دارا بودن، داشتن، متصرف بودن	Prefer	ترجیح دادن، عرضه داشتن
Possession	دارائی، ثروت	Preference	مزیت، برتری، اولویت
Posture	وضع، حالت، طرز ایستادن	Pregnancy	آبستنی، بارداری
Pot	قوری، در دیگ پختن	Prejudice	داوری، قضاوت، تبعیض آمیز، تعصب
Potential	پتانسیل، نهانی، پنهانی	Premature	نارس، قبل از موقع
Potential	مقاله، تفریح کردن، آزار و آسیب	Premeditated	عمدی، با قصد قبلی

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Preoccupied	پریشان حواس، گرفتار	Prison	زندان، حبس
Preoccupy	پر مشغله، شیفته کردن	Prisoner	زندانی، اسیر
Preparatory	مقدماتی	Pristine	دست نخورده، تر و تازه
Preposition	حرف اضافه	Private	خصوصی
Present	حاضر، هدیه	Prize	انعام، جایزه
Preservation	ماده نگهدارنده غذا	Prizewinner	برنده جایزه
Preserving	نگهداری، حفظ	Probable	احتمالی، باور کردنی، محتمل
Press	مطبوعات، فشار وارد کردن	Probably	احتمالاً
Prestige	حیثیت، اعتبار، قدر و منزلت	Probe	جستجو، کاوش، تحقیق
Presumably	احتمالاً	Probing	کاوش، تفحص
Pretend	و انمود کردن، دعوی کردن	Proboscis	خرطوم، پوزه، دراز
Prevention	جلوگیری، ممانعت	Procedure	روند، طرز عمل
Prevent	جلوگیری کردن	Proceed	حرکت کردن، اقدام کردن، پیش رفتن
Preview	قبلاً دیدن، پیش دید کردن	Procurement	تهیه و تدارک
Prey	شکار، صید، طعمه، قربانی	Professional	حرفه ای
Price	ارزش و قیمت	Profound	نیرومند، قوی
Pride	بهترین، غرور، سربلندی	Progress	پیشرفت کردن
Priest	کشیش، روحانی	Prohibit	منع، محروم، ممنوع کردن
Primarily	اولاً، عمدتاً	Prohibition	ممنوعیت
Primate	پیشوا، راسته پستانداران	Prohibitively	بطور سرسام آوری
Prime	آغاز، بهار جوانی، تحریک	Prominent	برجسته، معلوم، ممتاز، شاخص
Principal	عمده، مدیر	Promise	وعده، قول، پیمان
Priority	حق تقدم، اولویت	Promote	ترفیع و ترقی دادن

Promotion	ترقی، پیشرفت	Publish	به عموم اطلاع دادن، انتشار دادن
prompt	بی درنگ، آماده، چاپک	Puff	لاف زدن، جای پف
Pronounce	تلفظ کردن، ادا کردن	Punch	سوراخ کردن، مشت زدن پهلوان
Proof	دلیل، نشانه و مدرک، برهان چرک نویس	Punctuate	نقطه گذاری، تأکید کردن
Proof	مدرک، شواهد	Punish	تنبیه کردن و ادب کردن
Proof	مقیاس خالص الکلی	Purchase	خرید، درآمدسالیانه، خرید کردن
Propaganda	تبلیغات	Pure	خالص و صاف
Propensity	تمایل طبیعی، رغبت، گرایش	Purification	خالص سازی، شستشو
Properly	بطور مناسب	Purify	تصفیه کردن
Prophecy	غیبگویی، نبوت، رسالت، ابلاغ	Purse	جیب، کیف پول
Proposal	پیشنهاد، طرح، اظهار	Pursuit	تعقیب، پیگرد، حرفه، پیشه
Propose	پیشنهاد کردن، پیشنهاد ازدواج	Push	هل دادن
Prose	نثر، نثر نوشتن	Pushcart	چرخ دستی، ارابه
Prosperous	غنی و موفق	Puzzle	گیج شده
Protest	اعتراض، شکایت	Pyramid	هرم
Prototype	نخستین بشر، نمونه اولیه	Quadrangle	چهار گوش، مربع، چهار دیواری
Proud	متکبر، مغرور	Quadruplet	چهار قلو
Prove	ثابت کردن، امتحان کردن، در آمدن	Quaff	زیاد نوشیدن، سر کشیدن
Proverb	ضرب المثل، گفتار حکیمانه	Quantity	کمیت
Provide	تهیه کردن	Quarrel	پر خاش و نزاع، دعوا
Province	استان، ایالت	Quarter	یک چهارم، یک ربع
Psychiatry	روانپزشکی	Quarterback	بازیکن خط حمله، کارفرمایی
Publicly	بطور عموم، همگانی	Queasy	سنگین، تهوع آور، ضعیف،

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Queen	زن پادشاه، ملکه، وزیر	Raze	با خاک یکسان کردن، منهدم کردن
Quintuplet	پنج قلو	Rate	نرخ، میزان
Quit	ترک کردن	Rather	نسبتاً
Quiz	پرسش و آزمون	Ration	جیره بندی
Quotation	نقل، ذکر، سخن نقل کردن	Ration	جیره بندی، سهم دادن
Quotient	بهره، میزان	Rationalization	توجیه عقلی، عقلانی کردن
Quotient	خارج قسمت	Raw	خام، مرطوب و سرد، حساس،
Race	مسابقه، نژاد	Reaction	واکنش
Racial	نژادی	Real state	بنگاه املاک
Racist	نژادپرست	Realistic	واقع گرا
Rage	دیوانگی، خشم، غضب	Reality	حقیقت، اصل، واقعیت
Rainbow	قوس قزح (رنگین کمان)	Rear	تربیت و پرورش، افراشتن
Raise	بالا کشیدن، برافراشتن، از بین بردن	Reassurance	اطمینان، بیمه
Raisin	کشمش	Reassure	اطمینان خاطر دادن
Ramadan	رمضان	Reassure	دوباره اطمینان کردن
Ramp	شیب دار، خزیدن، دست انداز	Rebellion	سرکشی و شورش
Random	تصادفی، غیر عمدی	Recall	یاد آوردن، فرا خواندن
Rang	محدوده، حوزه، حرکت و سیر کردن	Receipt	رسید، قبض
Range	تیررس، دسترسی، حوزه، محدوده	Reception	پذیرایی، صندوق
Rank	ترتیب، سلسله، مقام، درجه دادن	Receptionist	متصدی پذیرش
Rape	هتک ناموس کردن، تجاوز به ناموس کردن	Receptive	پذیرنده، شنوا، حاضر به قبول
Rare	نادر، کمیاب، لطیف	Recess	عقب نشینی، مرخصی گرفتن
Rarely	بندرت	Recession	پسروی، عقب نشینی

Recipe	دستور عمل خوراک پزی	Regardless	صرف نظر از، با وجود، علیرغم
Recital	ازبر خوانی، تکنوازی	Regards	ملاحظه، مراعات، احترام
Recite	از بر خواندن	Regional	منطقه‌ای
Reckon	حساب کردن، شمردن	Register	دفتر ثبت، لیست یا فهرست
Recognize	تشخیص دادن، تصدیق کردن	Regret	افسوس، پشیمانی، اظهار تاسف
Reconciliation	آشتی، مصالحه، تلفیق	Regulation	تنظیم، سامان دهی
Reconsider	تجدیدنظر	Rehabilitate	اعاده حیثیت کردن، ترمیم کردن
Reconstruct	نوسازی، مدل، نمونه مطابق اصل	Reinforce	تقویت کردن، محکم کردن
Recount	تعریف کردن، باز گفتن	Relatively	نسبتاً
Recover	ترمیم، بهبودی، به هوش آمدن	Relevance	رابطه، ارتباط
Recreation	تفریح، سرگرمی	Relevant	مربوط، متناسب، وابسته
Rectangle	مستطیل	Reliable	قابل اطمینان
Rectilinear	سیر کننده در مسیر مستقیم	Reliance	اعتماد، تکیه، توکل
Recurrence	بازگشت، عود مجدد	Relief	تسکین درد، آسودگی، امداد
Recycle	بازیافت	Relieve	تسکین دادن
Referral	ارجاع، مراجعه	Relieving	تسکین
Reform	ترمیم، بازسازی، اصلاحات	Reluctant	بی میل
Refreshment	نیروبخش، نوشابه	Rely on	اعتماد و اطمینان کردن
Refugee	پناهنده، فراری، آوارگان	Remain	اقامت، باقیمانده
Refuse	آشغال، رد کردن، نپذیرفتن	Remains	باقی مانده ها
Refute	رد کردن، خلاف چیزی را ثابت کردن	Remarkable	قابل توجه، عالی، جالب توجه
Regalia	امتیازات سلطنتی، لباس پادشاهی	Remarks	اظهارات
Regard	ملاحظه، راجع بودن به	Remedial	شفا بخش، درمانی، چاره ساز

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Remedy	درمان، علاج	Respond	جواب دادن، عکس العمل نشان دادن
Remind	بخطرات انداختن	Responsibility	مسئولیت
Remote	دور، پرت، جزئی، کم، بعید	Rest	استراحت، تکیه دادن، نتیجه
Render	تسلیم داشتن، تحویل دادن	Reestablish	دوباره برقرار کردن
Reneg	گول زدن، انکار کردن	Restate	دوباره گفتن و اظهار کردن
Renewal	تجدید، تکرار	Restitution	بازگردانی، ارجاع، تلافی
Repetitive	تکراری	Restorable	قابل عرضه و اعاده
Replace	جایگزین کردن	Restore	پس دادن، تعمیر کردن
Replication	منعکس شدن، کپی شدن	Restrain	جلوگیری کردن، مهار کردن
Representative	نماینده	Restraint	جلوگیری، منع، خودداری
Repressed	جلوگیری شده	Resume	چکیده، از سر گرفتن، خلاصه تجربیات
Repression	سرکوبی	Resurgent	از نو باب شده
Reproduce	تکثیر کردن، چاپ کردن	Resurrection	رستاخیز، قیام
Repugnant	نفرت انگیز	Retirement	بازنشستگی
Repulsive	زنده، تنفر آور	Retort	برگرداندن، تلافی کردن
Reputation	شهرت، اعتبار، آبرو، خوشنامی	Retrieve	باز یافتن، جبران کردن، اصلاح یا تذهیب
Rescue	رهایی دادن، نجات دادن	Reunion	به هم پیوستگی، تجدید دیدار
Reseal	دوباره بستن و مهر کردن	Reunite	دوباره به هم پیوستن
Resemble	شبهت داشتن، مانند بودن	Reveal	آشکار کردن، فاش کردن
Resident	مقیم، ساکن	Reveal	آشکار کردن، نشان دادن
Resign	استعفا دادن، کنار کشیدن	Revenge	کینه جو، انتقام
Resistance	مقاومت، پایداری	Revere	حرمت کردن، احترام گذاشتن
Resort	تفریحگاه، آخرین چاره		

Revitalize	قدرت و زندگی تازه کردن	Rose	نهنای، پنهانی
Revival	احیا، تجدید، تقویت	Rotten	فاسد، پوسیده، قدیمی، زنگ زده
Revivalist	طرفدار احیای مذهبی	Rough	خشن، زبر
Revive	احیا کردن، بهوش آمدن	Route	مسیر، جاده
Revolution	انقلاب، شورش	Routine	قاعده مند، جریان عادی
Rewarding	ارزشمند	Royal	سلطنتی، شاهانه
Rhino	کرگدن و اسب آبی	Royalty	مجلل، خانواده سلطنتی
Rhythm	آهنگ موزون	Rubber	رزین، لاستیک، مالنده، مداد پاک کن
Rid (to get rid of)	رهانیدن و خلاص کردن	Rubbish	زباله
Ridicule	مسخره کردن، استهزا کردن	Ruble	روبل، واحد پول شوروی
Ridiculous	مضحک، خنده دار	Rug	قالیچه، فرش کردن
Rifle	دزدیدن، لخت کردن، تفنگ	Ruin	خرابه، ویرانی
Right	حق، درست، سمت راست	Rum	عجیب و غریب، بد
Riot	آشوب، غوغا	Rumor	شایعه، شایعه را پخش کردن
Ripe	رسیده، پخته، بالغ	Run around	به این طرف و آن طرف
Ritual	تشریفات مذهبی، آیین پرستش	Run around	دور زمین دویدن
Rival	رقابت کردن، رقیب، چشم هم چشمی	Run into trouble	دچار دردسر شدن
Roast	کباب کردن، بریان کردن	Run	پیمودن، جاری شدن، دویدن، اداره کردن
Roll	پیچیدن، غلطاندن	Rundown	کهنه و مندرس، خسته، داغون
Romance	افسانه، رمان	Runway	باند فرودگاه، مجرا، راهرو، فراری
Roof	سقف، پشت بام	Rural	روستایی
Rooster	خروس، آدم ستیزه جو	Rush	حمله، یورش، شتاب زدگی، شلوغ
Rope	طناب	Rye	گندم سیاه، مرد کولی

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Sabbath	روز تعطیل و عبادت	Scandal	رسوا، ننگ، تهمت زدن
Sack	کیسه - گونی	Scanning	مرور اجمالی
Sack bar	ساندویچی	Scare	کمیاپ، نادر، قلیل، اندک
Sacrifice	جانبازی، فداکاری، قربانی کردن	Scarification	تیغ زنی (بزشکی)
Saffron	زعفران	Scarlet	سرخ شدگی، سرخ جامه
Sailboat	کشتی بادبانی	Scatter	پخش و پراکنده شدن
Sailor	دریانورد	Scene	منظره، چشم انداز
Saint	اولیا، آدم پرهیزگار، مقدس	Scenery	صحنه زیبا و دیدنی
Sale	فروش	Scent	بو، عطر، عطر زدن، با شامه تشخیص دادن
Salvage	پاداشی - نجات دادن	Schedule	زمان بندی، فهرست، جدول
Sanction	اجرای قانونی، دارای مجوز قانونی	Cleanse	تطهیر کردن، تمیز کردن
Sand lot	زمین شنی - زمین خاکی	Schedule	برنامه ریزی زمانی
Sanctions	تحریم (سیاسی)	Scheme	برنامه، نقشه، تربیت
Sank	غرق شدن، فرو رفتن در آب	Scolder	سرزنش کننده
Satellite	ماهواره، پیرو	Scope	هدف، منظور، میزان، حوزه
Satire	طنز، هزلیات	Score	ثبت کردن، نشان
Sauce	سس، پررویی	Scourge	تازیانه، تنبیه، بلا، مصیبت
Saucer	نعلبکی	Scrabble	خط خطی کردن، دستمالی
Sausage	سوسیس	Scramble	املت درست کردن، با تولا جلو رفتن
Savagery	بیرحمی، وحشیگری	Scratch	چنگ زدن، خط انداختن
Saw	امثال و حکم، آره، امثال	Screenplay	نمایشنامه
Scale	ترازو، وزن، مقیاس	Screw	پیچ خوردگی، بیچاندن
Scan	باوزن خواندن اشعار، اجمالا مرور کردن	Sculptor	مجسمه ساز

Sculpture	مجسمه سازی	Sergeant	گروهبان، مأمور اجرا
Sealed	مهر شده	Servant	نوکر، غلام، بنده
Seashell	صدف حلزونی	Serve	خدمت کردن، بکار رفتن
Seashore	ساحل دریا	Server	کمک کننده، خدمتکار
Seasonal	فصلی، پرادویه	Servitude	بندگی، خدمت اجباری
Seaweed	جلبک دریایی	Session	جلسه، دوره تحصیلی، نشست
Secrete	ترشح کردن، پنهان کردن	Settle down	حل کردن اختلاف
Secretarial	تحریری، منشی گری	Settle	حل کردن اختلاف، مقیم کردن
Sector	تقسیم کردن، بخش، قطعه	Settler	مهاجر، مقیم، ماندگار
Seek	جستجو کردن، پیگیری کردن	Sever	جدا کردن
Segregated	جدا شده	Severe	سخت و شدید
Seize	ربودن، قاپیدن، درک کردن	Sew	دوزندگی کردن
Seize	بتصرف درآوردن، ربودن، درک کردن	Sewage	فاضلاب
Seldom	بسیار کم، به ندرت	Sewer system	سیستم فاضلاب
Self-reliance	متکی به خود	Sextuplet	شش قلو
Semantic	معنایی	Shadow	سایه
Semi arrange	نیمه مرتب	Shadowy	سایه مانند
Senior	بزرگتر، ارشد، پدر، دانشجوی سال آخر	Sham	ساختگی، بدل
Sense	حس، احساس	Shape up	به شکل خوب درآمدن
Sensing	احساس، دریافت	Shape	شکل، اندام، ریخت
Sentence	قضاوت، رای دادن، محکوم کردن	Share	سهم، بخش، قسمت، تقسیم کردن
Sentimental	پیروی از عواطف و احساس	Sharp	تند، باهوش
Separate	جدا کردن	Sharpest	تندترین، تیزترین

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Sharpness	تیزی، هوشیاری	Shyness	خجالتی، کمرو
Shatter	خرد کردن و له کردن	Side effect	اثرات جانبی
Shed	ساختن، پوست انداختن، برگ ریزان ریختن خون	Sidewalks	پیاده رو
Sheep	گوسفند، آدم ساده و مطیع	Sigh	آه حسرت کشیدن
Sheet	ورق، صفحه، بادبان	Sight	بینش، نظر، هدف، دیدگاه
Shell fish	حلزون صدف دار	Sightseeing	دیدن، مناظر
Shell	صدف، حلزون	Sign up	امضا کردن
Shelter	پناهگاه، حمایت کردن	Signed	علامت دار، امضا شده
Sheriff	کلانتر، کدخدا	Significant	مهم و قابل توجه، پر معنی
Shifting	تغییر جهت، دگرگونی	Silly	نادان، احمق
Shine	درخشیدن	Simplicity	ساده دلی، بی آلاشی
Shipping	حمل و نقل از طریق کشتی	Sin	گناه، معصیت، خطا کردن
Shocking	مایه انزجار، هولناک، تکان دهنده	Single	مجزا، مجرد
Short hand	تندنویسی	Singular	متنصر به فرد، خارق العاده، مفرد
Shortage	کمبود، کسری	Sip	جرعه، مزه، مزه، چشیدن، خرد خرد آشامیدن
Shortfall	کمبود	Sirloin	گوشت راسته
Shove	پرتاب شدن، هل، تنه زدن	Skeleton	کالبد، اسکلت
Shower	رگبار	Skim	سرسری و سطحی خواندن
Shrimp	میگو	Skinny	غده، پوست، استخوان، فنر
Shun	پرهیز کردن، دوری کردن	Skip	پریدن
Shun	دوری کردن، اجتناب کردن	Skull	جمجمه، فرق سر
Shutter	کرکره، دریچه	Slain	مقتول، کشته شده
Shy	خجالتی، کمرو، ترسو	Slang	زبان آمیانه، ولایتی

Slant	سرازیر شدن، مورب	Sneaker	کفش ورزشی، کتانی
Slash	چاک لباس، برش و زخم، تخفیف زیاد	Snobbish	مغرور، پر افاده
Slaughterhouse	کشتارگاه	Snowflake	برف ریزه، دانه برف
Slaughterer	کشتارکننده	So-called	به اصطلاح
Slave	برده، غلام	Soar	در اوج پرواز کردن، صعود کردن
Slavery	بندگی و بردگی	Sober	هوشیاری، از مستی در آوردن
Slice	قاج، برش، قطعه	Social	تفریحی، اجتماعی، گروه دوستی
Slip	لغزیدن، خطا، گمراهی، از قلم انداختن	Social ills	آسیبهای اجتماعی
Slogan	خروش، نعره، شعار، آرم	Sociologist	جامعه شناس
Slope	شیب دار	Sociology	جامعه شناسی
Slopped	پاشیدن، ریختن، ترشح کردن	Socks	جوراب
Slosh	تکان دادن، مخلوط کردن	Soda	قلیا، سود
Slump	یکباره فرو ریختن، سقوط	Software	نرم افزار
Sly	کشتن، به قتل رساندن	Solace	تسکین، آرامش
Small pox	آبله مرغان	Solar	خورشیدی، وابسته به خورشید
Smart	شیک، زرتنگ، باهوش، تیر کشیدن	Sold	فروخته شده، بفروش رفته
Smartest	قشنگترین، زیباترین	Somehow	به یک نوعی، هر جور که هست
Smirk	لبخند مغرورانه، پوزخند	Somewhere	در یک محل و مکان
Smog	مه دود	Sonata	سیوناتا
Smooth	صاف، هموار، بی چین و چروک	Sophistication	دلفریبی، اغوا، تحریف، مهارت
Snack	خوراک مختصر، زیرک و چالاک	Sore throats	زخم دهان گلو درد
Snail	حلزون، وقت تلف کردن	Sorrow	سوگ، غم
Snap	شتابزدگی، ناگهانی، عجله، قاپیدن	Sort	دسته بندی کردن، مرتب کردن، گونه، نوع

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Sought (seek)	جستجو کردن (ماضی)، روح	Spirits	مشروبات الکلی
Sour	شراب، ترش	Spiritual	روحانی، معنوی
Southern	جنوبی، اهل جنوب	Spit	تف انداختن، فیف کردن
Soviet	شوروی	Splendid	باشکوه و جلال، عالی
Soybean	دانه لوبیا	Spoil	از بین بردن، فاسد کردن، لوس کردن، پوسیده
Spacecraft	سفینه فضایی	Sponge up	جذب کردن
Spank	بادست زدن، با سرعت حرکت کردن	Sponge	اسفنج، خیس کردن، پاک کردن
Spark	جرقه، بارقه، اخگر	Sponsor	ضامن، حامی
Spear	نیزه دار	Spooky	شیخ وار
Specialist	متخصص	Spot	زمان مختصر، لکه، کشف کردن
Species	نوع، گونه	Sprawl	پراکندگی، پخش غیر منظم بی پروا
Specific	خاص، ویژه	Spring	جهیدن، حالت فنری، بهار
Specifically	به ویژه	Sprinkle	پاشیدن، افشاندن
Spectator	تماشاگر، بیننده	Spur	میخ، مهمیز زدن
Speculator	محتکر، زمین خوار	Spy	جاسوسی کردن
Speech	سخنرانی	Squad	دسته، جوخه
Spell	هجی کردن، خواندن	Stab	سوراخ کردن، زخم چاقو از پشت
Spelunker	علاقه مند به اکتشاف غار	Stack	انباشتن، توده
Spewing	فوران کردن، با فشار خارج کردن	Stall	قصور ورزیدن، ممانعت
Spicy	ادویه دار، معطر	Stand	مقاومت کردن، ایستادن
Spider	عنکبوت، کار تنگ	Staple	جز اصلی چیزی، ستون
Spill	ریختن، پراکنده شدن، به هدر دادن	Star base	تخلیه، برون بری، تهی سازی
Spirit	روح، جان، جرأت دادن	Starchy	دارای نشاسته

Startled	وحشت زده شدن، تکان دادن	Stimulate	تحریک کردن، انگیزیدن
Startling	شگفت انگیز و تکان دهنده	Sting	نیش زدن، گزش
Starvation	گرسنگی و قحطی	Stock in	تأکید کردن بر
State	توضیح دادن، تعیین کردن، حالت، کشور	Stock	موجودی کالا، مایه، سهام
Statement	اظهار، بیان، گفته	Stole	جامه سفید حمایل دار، خرقة
Statistic	آمارى	Stomach	معدۀ
Statue	مجسمه، تمثال	Stoop	خم شدن
Status	وضعیت، حالت، شأن	Stove	بخارى، گرمخانه، کوره، تنور
Stay down	در رختخواب ماندن	Straight	مستقیم، بی پرده، افقى و عمودى
Steadier	استوارتر، ثابت تر	Straighten	درست کردن، مرتب کردن، صاف کردن
Steady	محکم و استوار، ساکن شدن	Strange	عجیب، بیگانه، غریب
Steal	دزدیدن	Stranger	بیگانه، نا آشنا
Stem	ریشه و تنه، پایه جام شراب	Straw	کاه، حصیر، نی
Stentorian	خیلی بلند، صدای بلند، رسا	Stream	جوى، نهر، روان شدن
Step	گام، پله	Strength	نیرو، قدرت
Stereotype	کلیشه، گفتار و کردار	Strengthen	تقویت کردن، نیرو دادن
Stew	آهسته جوشانیدن، تاس کباب نگرانی	Stretch	ممتد، کشیدن، کش آمدن، منبسط کردن
Stick	چسبیدن، وصل کردن	Strict	سخت گیر، محکم
Stiff	سفت ایستادن	Strike	ضربه زدن، اعتصاب کردن
Stiffen	سفت شدن، محکم کردن	Striking	برجسته، قابل توجه، موثر
Stigma	لکه ننگ، برآمدگی، خال	Strip	برهنه و لخت کردن، نهی کردن از
Still	ساکت، آرام	Strive	کوشیدن، جد و جهد و نزاع
Stimulant	محرک	Stroke	حمله و سکنه مغزی

Stronghold	پناهگاه، دژ، قلعه	Suburban	اهل حومه شهر
Struck	مصیبت دیده، در حال اعتصاب	Successive	پی در پی، متوالی
Struggle	کشمکش، دست و پا زدن	Succulent	آبدار، شاداب، با طراوت
Struggle	کشمکش، کوشش، نزاع	Sue	تقاضا کردن، تعقیب قانونی کردن
Stuck	گیر کرده، عاشق، گرفتار	Suffer from	رنج بردن، تحمل کردن
Stumble	لغزیدن، سر خوردن، لکنت داشتن	Sufficient	کافی و مناسب
Stumping	گیج کننده، بی حس کننده	Suggestion	پیشنهاد
Stump	بخ درخت، بن	Suicide	خودکشی، انتحار
Sub arctic	فراشمالگان	Suite	وفق دادن، چور کردن، خواستگاری
Subculture	فرهنگ فرعی	Sullen	کج خلق، عبوس، ترشرو
Subhead	عنوان فرعی مقاله	Sum	مبلغ، روی هم، حساب کردن
Subjective	فردی، خصوصی، سلیقه‌ای	Summarize	خلاصه کردن
Subliminal	تصعیدی، انتشار یافته	Summary	خلاصه، مختصر
Submarine	زیر دریایی	Superlative	بالاترین، صفت عالی
Submit	تقدیم داشتن، پیشنهاد کردن	Supernatural	ماورای طبیعی، فوق‌العاده
Subplot	داستان یا موضوع فرعی	Supernova	اختران و ستارگان پرنور
Subscribe	امضا کردن، موافقت کردن	Supper	شام
Subsidiary	کمکی، اضافی، شرکت وابسته و تابعه	Supplementary	اضافی، مکمل، تکمیلی
Subsiding	شرکت وابسته، کمکی	Supply	تامین کردن، تدارک دیدن
Subsistence	ادامه حیات، هستی	Suppose	فرض کردن، پنداشتن
Substitute	تعویض کردن، جانشین	Surely	یقیناً، مسلماً
Subtle	نشان، علامت، امضا	Surfing	موج سواری
Suburb	حومه، شهرک	Surgeon	جراحی

Surrender	تسلیم و واگذاری	Syntactic	طبق قواعد صرف و نحو
Surveillance	نظارت، مراقبت	Syntax	نحو
Survey	مطالعه و بررسی	Tablet	قرص، لوح
Survive	زنده ماندن و زندگی کردن	Tabloid	خلاصه شده، چکیده
Suspect	بدگمان شدن از، شک داشتن	Taboo	حرام شده
Suspense	مردد، آویزان، معلق	Tackle	بعهده گرفتن، از عهده کاری برآمدن
Swagger	با تکبر راه رفتن، مغرور	Taco	ساندویچ
Swallow	پرستو، چلچله، فرو بردن، بلعیدن	Tactful	با نزاکت، موقعشناس، دنیا دار
Swamp	باتلاق	Tactile	لمس کردنی
Swan	قو، متعجب شدن، اظهار کردن	Take on	به عهده گرفتن
Swear	فحش و ناسزا	Take out	خم شدن، کم سود لاغر
Sweat	عرق کردن، مشقت کشیدن	Take place	رخ دادن
Sweater	عرق گیر، پلوور، ژاکت	Tale	افسانه، چغلی، جمع، حساب
Sweep	جاروب کردن، رویدن، وسعت	Talent	استعداد، نعمت خدادادی
Sweetheart	دلبر، معشوقه	Talkative	پرحرف، وراج
Sweetly	شیرده، خوش	Task	تحمل کردن، وظیفه زیاد، خسته کردن
Swell	شیک، زیبا، غرور، برجسته	Taste	چشیدن، ذوق و سلیقه
Swept	جاروب شده، متمایل، بیج دار	Tattoo	شیپور بازگشت، خالکوبی کردن
Swift	سریع، با سرعت، فرز	Tax	مالیات، فشار آوردن بر
Swinging	ناب خور، نوان، موزون	Tear	پاره کردن، اشک ریختن
Sympathy	همدردی، همفکری	Tear	گسستن، اشک ریختن
Symphony	قطعه طولانی موسیقی	Technique	روش و راه مخصوص
Synagogue	پرستشگاه یهود	Teenage	نوجوان

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Teenager	نوجوان
Telecommuting	ارتباط از راه دور
Temperament	سرشت، فطرت، مزاج
Temporal	دنیوی، غیر روحانی
Temporary	موقتی، آنی، زودگذر
Tempt	وسوسه کردن، برانگیختن
Temptation	وسوسه، فریب، آزمایش
Tend	گرایش، پرستاری کردن
Tendency	گرایش، تمایل، علاقه، استعداد
Tender	نازک، حساس، لطیف، محبت آمیز
Tense	شدت یافتن، هیجانی و عصبی، ناراحت
Tension	تنش، رقابت منفی
Terrace	ایوان، خیابان
Terrific	هولناک، فوق العاده، عجیب
Terrified	ترسیده، وحشت زده
Terrify	وحشت زده کردن
Testified	شاهد، گواه، تصدیق کننده
Testimony	گواهی، شهادت، مدرک، اظهار
Texture	تاروپود، پارچه، منسوج
Thanksgiving	سپاس گذاری، شکر گذاری
Thee	سه
Theft	دزدی، سرقت
Theme	موضوع، مطلب، مقاله

Then	سپس، در آن زمان
Therapy	درمان بدون دارو
Thereby	بدان وسیله، از آن راه، به موجب آن
Thermometer	درجه، دماسنج
Thesis	پایان نامه، تز، رساله
Thick	کلفت، ضخیم، پریشت
Thief	دزد، سارق
Thorny	خاردار، خارمانند، تیغستان
Thorough	تماما، از اول تا آخر، کامل
Though	اگرچه
Thoughtful	اندیشمند، با ملاحظه، فکور
Threat	تهدید
Threaten	تهدید کردن، خبر دادن از
Thrill	به هیجان آوردن، لرزیدن
Thoroughness	تمامیت، دقت
Throughout	سراسر، کل
Throw out	بیرون انداختن
Throw	انداختن، پرتاب کردن
Thrust	بیزور باز کردن، چپاندن، فرو کردن
Thunderbolt	آذرخش، صاعقه زدن
Thy	مال تو، آن مثل برادرت
Tickle	قلقلک دادن، خاریدن
Tide	جز و مد، اتفاق افتادن

Tie	بستن، رابطه، علاقه، برابری،	Toss	بالا انداختن، متلاطم شدن
Tight	محکم، سفت، خسیس	Total	کلی
Tighter	سفت تر، تنگتر	Touch down	درد، رنج، تقلا، تماس با زمین
Tightness	محکم، باعث	Touching	موثر، رقت انگیز، سوزناک
Till	تا اینکه، کشت کردن، دخل،	Tour	سفر، مسافرت
Tilting	میدان مبارزه و نبرد	Tout	مشتری جلب کردن با صدای بلند
Time-consuming	وقت گیر	Toward	آینده، بسوی، در راه
Tip	نوک، رأس، انعام، محرمانه رساندن	Towel	حوله
Tissue	بافت، رشته	Tracer	نقشه کش، ردیاب، جستجو کننده
Tobacco	تنباکو، توتون	Track	اثر پا، دنبال کردن، پیگیری کردن،
Toddler	کودک نوپا و تازه به راه افتاده	Trade	تجارت، حرفه، شغل، آزار،
Toe	پنجه پا	Trade offs	تعادل
Tolerate	تحمل کردن	Tradition	رسم، سنت، عقیده
Tone	آهنگ، صدا، سفت کردن	Trail	محاكمه، دادرسی، سعی و کوشش
Tonsillitis	ورم لوزه ها	Train	تعلیم دادن، قطار، تمرین دادن
Toothbrush	مسواک دندان	Trait	ویژگی، نشان اختصاصی، خصیصه
Topsoil	خاک سطحی	Tranquility	آرامش، آسودگی
Torch	مشعل، چراغ قوه	Transaction	معامله، مجادله کردن، کنش متقابل
Torn	پاره شده	Transcend	برتری یافتن
Tornado	گردباد سخت	Transcend	برتری یافتن، بالاتر بودن
Torrent	سیل، جریان شدید	Transformation	تغییر شکل
Tortilla	نان ذرت مکزیکی	Transition	انتقال، عبور، گذار، تحول
Torture	شکنجه، عذاب	Transplant	در جای دیگری نشانیدن، پیوند عضو

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Transportation	حمل و نقل
Trash	آشغال، مهمل، خاکروبه
Treasurer	صندوقدار، خزانه دار
Treat	بحث کردن، رفتار کردن، درمان خوراک رایگان
Tree bark	پوست درخت
Trek	پیاده روی، راهپیمایی کردن، سفر قندهار
Tremendous	عظیم، هراس انگیز، فوق العاده
Tremendously	بطور شگرف، عجیب،
Trend	تمایل، روند، متوجه بودن تمایل داشتن
Trend spotting	مدسازی
Trendy	مد روز، اهل مد، مد پرست
Tribal	قبیله‌ای، طایفه‌ای
Tribe	قبیله
Tribesman	هم قبیله، عضو قبیله
Tribute	باج، ستایش کردن، ستودن
Trick	حیله، ترفند، شوخی کردن
Trickle	چکیدن، چکاندن
Tricky	نیرنگ آمیز، حیله گر
Trifle	ناچیز، سرسری گرفتن
Trinity	گروه سه گانه، مثلث
Triplet	سه قلو، سه گانه
Triumph	پیروزی، پیروزمندانه
Trivial	کم اهمیت، جزئی

Throat	گلو، نای، دهان
Trotter	پارچه، یورتمه، شخص چابک و پرکار
Trouble	مزاحمت، آزار دادن
Troupes	دسته بازیگران
Trove	گنجینه
Trumpeting	شیپور، شیپور زدن با صدای بلند
Trumpet	شیپور زدن، با صدای بلند صحبت کردن
Truth	راستی، حقیقت
Truthful	راستگو، صادق
Tube	لامپ، لوله، تونل
Tuition	شهریه، تدریس خصوصی
Tumble	آشفتنگی، لغزیدن، بهم ریختگی
Tumultuous	پرهمهمه، شلوغ
Tuned	میزان شده، وفق یافته، کوک شده
Turmoil	غوغا، پریشانی، ناراحتی
Turn in	تحويل دادن
Turpentine	سقز
Turtle	لاک پشت
Tutor	معلم خصوصی
Twist	تابیدن، پیچیدن
Typical	ویژه، شاخص
Tyranny	حکومت ستمگرانه، ظلم و ستم
Ugly	زشت و بدقیافه

Ulcer	زخم، مایه فساد	Ups and downs	سربالایی و سراسیب زندگی
Unannounced	بی خبر، بی اطلاع	Upset	ناراحتی، واژگون
Unaware	بی اطلاع، ناگهان، سراسیمه	Uptight	عصبانی و آشفته
Unconscious	غش کرده، بیهوش، از خود	Upward	رو به ترقی
Uncontronable	غیر قابل کنترل	Urban	شهری، شهرنشین
Undergo	تحمل کردن، دستخوش چیزی شدن	Urge	اصرار کردن، انگیختن
Underwear	لباس زیر	Urgent	مصر، با فشار، ناگهان، سریع
Undisturbed	مختل نشده	Ursine	شبهه خرس
Unfamiliar	نا آشنا، عجیب	Useful	مفید
Unfocussed	غیر متمرکز، غیر منتظره	Useless	بی فایده، بی مصرف
Union	اتحادیه	Utensils	لوازم آشپزخانه
Unique	بی همتا، بی نظیر	Utility	سودمند، مفید
Unmercifully	بیرحم، نامهربان	Utilize	بهره بردن
Unpleasant	ناخوشایند	Utilizing	قابل مصرف و استفاده
Unpolished	صاف و براق	v.s(versus)	در مقابل، در برابر
Unrestricted	آزاد، نامحدود، بی بندوبار	Vacation	تعطیل، ترک
Unwise	نادان، جاهل	Vague	مبهم، سربسته و ابهام دار
Upcoming	در آینده نزدیک	Vague	مبهم، سربسته
Upfront	بومی، طبیعی، ذاتی	Vagueness	ابهام
Upon	روی، فوق، به محض	Valid	قوی، سالم، معتبر
Upright	راست، عمودی، درستکار	Valor	دلیری، شجاعت، اهمیت و ارزش مادی
Uprising	شورش، قیام، برخواست	Valves	دریچه، سوپاپ
Uproot	ریشه کن کردن		

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Vanish	ناپدید شدن، ارسال کردن	Victim	قربانی
Verge	کنار، لبه، حاشیه	Victorian	مربوط به زمان سلطنت ملکه ویکتوریا
Variety	تنوع	View	منظره، نگرش
Various	متنوع	Vigilance	مراقبت، بیداری
Vary	تنوع داشتن	Vigorous	پرزور، نیرومند، قوی
Vase	ظرف، گلدان	Vindictive	کینه جو، انتقامی
Vast	پهناور، وسیع، عریان	Violation	تخلفات
Vastness	پهناوری، وسعت	Violence	سختی، زور، بی حرمتی
Vault	پریدن، جهش، گنبد یا طاق مغازه	Violently	به تندی، به سختی، شدید
Vegetarian	گیاهخوار	Virtuous	پرهیز کار، باتقوا
Vehicle	رسانه، وسیله نقلیه، حامل	Visualize	تصور کردن، شگفت انگیز
Ventilate	تهویه کردن، رها کردن	Vivid	روشن، زنده، واضح
Ventilation	تهویه	Vocal	صوتی، آوازی
Venture	اقدام یا مبادرت به، ریسک، سفر مخاطره آمیز	Vocalize	با صدا ادا کردن، تلفظ کردن
Verdict	رأی، قضاوت، فتوی	Vocational	کار، شغل، هنر، مبتان
Verify	تصدیق کردن، صحت و سقم	Volcano	کوه آتشفشان
Veritable	واقعی	Volume	بخش، جلد
Verse	شعر، به نظم در آوردن، شعر	Volunteer	داوطلب، خواستار
Veteran	مجرب و کار آزموده	Voluptuous	شهوتران
Veterinarian	دامپزشک	Vomit	استفراغ کردن
Vice	شرارت، گناه، عیب، فساد، بجای گیره	Vote	رأی دادن
Vicinity	همسایگی، نزدیکی	Voter	رای دهنده
Vicious	فاسد، تبهکار	Vow	قول، پیمان، عهد

Voyage	سفرهای دریایی و فضایی	Well-to-do	مرفه
Wagg	جنبانده، تکان دهنده	Wharf	اسکله، لنگرگاه، محکم مهار کردن
Waistline	کمر	Wheat	گندم، غله
Waiter	پیشخدمت رستوران	Wheat	گندم
Warehouse	انبار گمرک، انبار، بارخانه	Whiff	نسیم، بو، تپخه، آهسته وزیدن
Warfare	ستیز، جنگ	Whisper	بیج، نجوا، بیخ گوش
Warn	خبر دادن	Whittle	چاقو، ساطور، بریدن،
Warrant	گواهی و تضمین کردن، حکم	Whodunit	داستان پلیسی
Warship	کشتی جنگی	Widen	گستراندن، بزرگتر کردن
Waste disposal	دفع ضایعات	Widespread	شایع، همه جاگیر
Waste	باطله، تلف کردن، نیازمند کردن	Widow	زن بیوه
Wavy	پرموج و تلاطم	Wig	کلاه گیس، موی مصنوعی
Wealth	ثروت، مال	Wilderness	بیابان، صحرا
Wealth	ثروت، مال، وفور و زیادی	Windmill	آسیاب بادی
Weapon	سلاح، اسلحه	Wine	مشروبات الکلی
Weariness	ماندگی، خستگی	Wineglass	جام شراب
Wear	پوشیدن، فرسودگی	Wing	پره، بال، پیمودن
weed	علف هرزه	Wink	چشمک زدن، اغماض کردن
Weep	گریه کردن، اشک ریختن	Wipe	پاک کردن، زدودن، خشک کردن
Weigh	وزن داشتن	Wired	سیم کشی شده
Weird	خارق العاده، غریب، مرموز	Wisdom	فرزانگی، خرد، دانش، عقل
Welder	جوشکار	Wise	باهوش، فرزانه
Welfare	رفاه، آسایش، خوشبختی		

دانشجو آنلاین - لغات برگزیده

Wistful	مشتاق، در آرزو
Witch	زن جادوگر، جادو
With regard to	از لحاظ
Withdrawal	پس گرفتن، صرف نظر کردن
Witness	شهادت، گواه، شاهد
Wives	جمع (wife)
Woe	گرفتاری، مصیبت، رکود
Woebegone	افسردگی، گرفتار غم، درهم و برهم
Wonder	شگفت زده کردن
Word off	دفاع کردن، از خود دور کردن، جدا کردن
Work out	تمرین، زحمت کشیدن
Work up	تولید کردن، از کار در آوردن
Worldliness	دنیاپرستی، مادیت
Worn out	خسته و کوفته، کهنه
Worn	پوشیدن، فرسودن
Worse	برتر
Worsen	بدتر جلوه دادن
Worship	پرستش، عبادت
Worth	ارزش، قیمت
Worthless	ناچیز و بی بها
Wreck	ویرانی، خرابی، لاشه، تکه پاره
Xerographic	تصویر بردار
Yell	فریاد، نعره، هلهله

Yellow fever	تب زرد
Yet	هنوز، با این حال، تاکنون
Youth	جوانان، شخص جوان
Zip	فشار، انرژی، با سرعت حرکت کردن
Zipper	زیپ لباس